

" اینک شما فرزندان دلیر اسلام ، مدانه بایستید و برای "  
 " مردم نطق کنید . حقایق را بزبان ساده برای توده های "  
 " مردم بیان کنید و آنانرا به شور و حرکت درآرید ، از مردم "  
 " کوچه و بازار و از همین کارگران و دهقانان پاکدل "  
 " و دانشجویان بیدار " مجاهد " بسازید . همه "  
 " مردم مجاهد خواهند شد . " ( آیت اله خمینی ))

## سیاست موازنه مثبت

### در خدمت استعمارنو

در سالهای اخیر جهت گیری سیاست اقتصادی رژیم شاه تغییراتی بنحوی محسوس مشاهده میگردد . در دهه اول - بعد از کودتای ۲۸ مرداد ، نیکه گاه رژیم درست و نیکو امپریالیسم غرب و تراست ها و احصارات سرمایه داری اروپا و آمریکا بود . کلبه ضایع و ذخایر ما - از نفت و غیره - در اختیار آنها قرار داشت . واردات ما بطور عمده از کشورهای سرمایه داری بود . اما از سالهای ۱۳۴۰ به بعد بتدریج تغییراتی در این سیاست داده شده است . فعالیت اقتصادی روسیه شوروی و کشورهای وابسته به بلوک کمونیسم در ایران توسعه روز افزونی یافته است . از سال گذشته پای فعالیت های اقتصادی چین نیز به بازارهای ایران باز شده است .

سفرها و فعالیت های شاه و فرح ، هودا اقبال و سایر وزیران چین و مسکو و لندن و ونیز و آلمان - در چند ماهه گذشته - و امضای قرارداد های متعدد ، همه نمودار عشق و کمترین فعالیت های رژیم کودتاد را رابطه با قدرت های بزرگ جهانی ، و حتی از اجرای متنوع طرح جدیدی میباشد . از طرف دیگر این مسئله روشن است که رژیم کودتا که با دخالت مستقیم امپریالیسم آمریکا کار آمد . و دوام پیدا کرده است ، خود " مستقلا " و " خود سرانه " چنین سیاستی را اتخاذ نکرده است و این خود شاه نعمت که رأی با اجرای این طرح مشغول است . بلکه همین نسخه ای است حکیم برآمده از نظریه تشکیل احزاب دو اصلاحات ارضی ، انقلاب با مصالح سفید ، که هر یک نسخه هائی بودند که برای تأمین مقاصد خاصی تجویز شده بودند . باید دید که چه هدفهایی در اجرای این سیاست مورد نظر است و چگونه در غارت منابع طبیعی توفیق های بین انطالی بوجود آمده است .

در عصر استعمار " تدبیر " و دلشهای استعماری هر نجاکه با جنک وزیر نمیتوانستند تناقضات میان خود را حل کنند ، به سازش با هم و تقسیم سرزمین های اشغالی بجهت در صفا نه

## در حاشیه گزارش از ایران

توسط خبرنگار روزنامه گاردین لندن

این گزارشی که در پنج شماره از ۹ تا ۱۴ اوت ۷۲ آمده ، حاکی از حرفهائی است که خبرنگار مذکور از شاه و هودا و سایر مقامات ایرانی شنیده و اضافه چیزهائی هم که خودش کم و بیش از سایل مختلف اقتصاد و سیاسی مشاهده کرده میباشد . نویسنده ابتدا افسان برای اینکه خود را از مسئولیت گزاره گویی هائی که در این گزارش آمده ، خلاص کند منجمد " بعد از سه هفته اقامت در ایران و پیگیری زبان اغراق آمیز مقامات دولتی و حامیان رژیم آشنا شده ام " و میخواهد خود را بی طرف نگهدارد ولی گاهی تحت تأثیر همین گزاره گویی ها فرار میگیرد و بطور مصنوعی مداحی هم میکند و در همین حال دانسته پانداخته از ماهیت پوشالی دستگاه نیز بطور غیر مستقیم برده بر میدارد و ترجیح بند این گزارش مسئله مجاهدین و چریکهای شهری است که خاطر او را همیشه مشغول میدارد .

در این نوشته نکته هائی از این گزارش را ما مورد بررسی قرار میدهم .  
 شاه ، ایران را شرقی تراز چین و جنوب ژاپن غرب آسیا میداند . این قیاس ممکن است از نظر تاریخی قابل توجه باشد ولی هر کسی که کوچکترین اطلاعی از وضع امروز ایران بجهت در صفا نه دو

## دعوت حضرت آیت اله خمینی به پشتیبانی از: فلسطین

بنسببت فرارسیدن ماه مبارک رمضان ، ماه رحمت و آمرزش و خیر و برکت ، از خدای بزرگ خواستارم که تمام مسلمانان را توفیق اقدام به تکالیف و مسئولیت هائی که بمعهده آنان گذارده است ، بدهد . مسئولیت پاسداری قوانین الهی و عمل بقرآن کرم ، تنهاریه با زبانی عظمت و عزت و شکوه پیشین اسلام و مسلمین . مسئولیت پاسداری وحدت و برادری دینی ، تنهاضامن استقلال سرزمینهای اسلامی و زدا پندنه هرگونه نفوذ استعماری . مسئولیت فداکاری و جانبازی در راه جبران آنچه که مسلمانان بدلیل اختلاف و تفرقه از دست داده اند ، و تأسفانه هنوز هم میدهند . مسئولیت سنگین دولتهای اسلامی ، در عمل بقوانین اسلام و پیروان رفتن آنها از اسارت استعمار و تلاش منحصر در خدمت امت اسلامی . مسئولیت این روزگار که براتب سنگین تر و بیشتر از روزگاران گذشته است . روزگاری که پنجه های استعمار تا اعناق کشورهای اسلامی فرورفته است . روزگاری که استعمار تمام نهرها و امکانات خود را در راه ایجاد تفرقه میان مسلمانان ، سران کشورهای اسلام بسیج کرده است ، میکوشد تا بهر وسیله ای که در اختیار دارد از زاین پندی و عمل به تعالیم اسلام جلوگیری کند . تا بدینوسیله استعمارگران با خیال راحت به هدف های غیر انسانی خود - استعمار طبقه محروم - نائل آیند . بجهت در صفا نه

## حملات جدید دولت به روحانیت

بنظر آنان رسد و اکنون بذكر شواهدی از آن میپردازیم . در آخرین لحظاتی که روزنامه آماده شده برای چاپ ارسال میشد اخباری در این مقوله بدست ما رسید که بحالت اهمیت طلب ناگزیر به حذف یکی از مقالات شده و آنرا بشماره آینده مکتوب نمودیم . در اینجا نیز اجباراً فقط به ذکر اخبار آن اکتفا کرده و توضیحات بیشتر را به شماره آینده مکتوب میکنم .

### بازداشت آقای مطهری

روحانی دانشمند آقای مرتضی مطهری را پس از سخنرانی در مسجد الجواد بازداشت کرده برای مدت یک هفته در توفیق نگه میدارند . در ضمن مسجد الجواد را نیز به ملکیت اداره اوقاف در می آورند .

بجهت در صفا نه



«اینک شما فرزندان دلیر اسلام، مردانه بایستید و برای مردم نطق کنید. حقایق را به زبان ساده برای توده‌های مردم بیان کنید و آنان را به شور و حرکت درآرید، از مردم کوچه و بازار و از همین کارگران و دهقانان پاکدل و دانشجویان بیدار مجاهد بسازید. همه مردم مجاهد خواهند شد.»  
«آیت‌الله خمینی»

## سیاست موازنه مثبت در خدمت استعمار نو

در سال‌های اخیر در جهت‌گیری سیاست اقتصادی رژیم شاه تغییراتی بطور محسوس مشاهده می‌گردد. در دهه اول بعد از کودتای ۲۸ مرداد، تکیه‌گاه رژیم در بست و یک‌جا امپریالیسم غرب و تراست‌ها و انحصارات سرمایه‌داری اروپائی و آمریکائی بود. کلیه منابع و ذخائر ما - از نفت و غیره - در اختیار آنها قرار داشت. واردات ما بطور عمده از کشورهای سرمایه‌داری بود. اما از سالهای ۱۳۴۰ به بعد بتدریج تغییراتی در این سیاست داده شده است. فعالیت اقتصادی روسیه شوروی و کشورهای وابسته به بلوک کمونیزم در ایران توسعه روزافزونی یافته است. از سال گذشته پای فعالیت‌های اقتصادی چین نیز به بازارهای ایران باز شده است.

سفرها و فعالیت‌های شاه و فرح، هویدا، اقبال و سایر وزرا به چین و مسکو و لندن و نیویورک و آلمان - در چند ماهه گذشته - و امضای قراردادهای متعدد، همه نمودار عمق و گسترش فعالیت‌های رژیم کودتا در رابطه با قدرت‌های بزرگ جهانی، و حاکی از اجرای یک‌نوع طرح جدیدی می‌باشد. از طرف دیگر این مسئله روشن است که رژیم کودتا که با دخالت مستقیم امپریالیسم آمریکا روی کار آمده و دوام پیدا کرده است، خود «مستقلاً» و «خودسرانه» چنین سیاستی را اتخاذ نکرده است و این خود شاه نیست که رأساً به اجرای این طرح مشغول است، بلکه این نسخه‌ای است حکیم فرموده (۱) و نظیر تشکیل احزاب دولتی اصلاحات ارضی، انقلاب باصطلاح سفید، که هر یک نسخه‌هایی بودند که برای تأمین مقاصد خاصی تجویز شده بودند. باید دید که چه هدف‌هایی در اجرای این سیاست موردنظر است و چگونه در غارت منابع طبیعی توافقی بین‌المللی بوجود آمده است.

در عصر استعمار «قدیم» دولت‌های استعماری هرکجا که با جنگ و زور نمی‌توانستند تناقضات میان خود را حل کنند، به سازش با هم و تقسیم سرزمین‌های اشغالی میان خود می‌پرداختند. نگاهی اجمالی به نقشه آفریقا و مرزبندی‌های تصنعی میان کشورهای آفریقایی، راه‌حلی را که استعمارگران تجاوزکار، برای تناقضات خود بکار برده‌اند،

نشان می‌دهد.

در ایران در سال‌های گذشته، دول اجنبی، بکرات برای حل مطمئن مسئله تناقضات میان خود، موضوع تقسیم ایران را به مناطق نفوذ مطرح ساخته‌اند. پرچنجال‌ترین نمونه آن قرارداد ننگین ۱۹۰۷ بود که به موجب آن انگلیس و روس ایران را به مناطق نفوذ میان خود تقسیم کرده بودند و کوشش کردند تا آنرا با کمک ایادی مزدور خود بر ملت ایران تحمیل کنند. اما این قرارداد با مقاومت شجاعانه مردم قهرمان و هوشیار ما از هم دریده شد و در گورستان تاریخ مدفون گردید.

پس از شهریور ۱۳۲۰، موضوع تقسیم‌بندی بار دیگر مطرح گردید، اما این بار به شکلی دیگر و در قالبی دیگر.

اگر پس از جنگ بین‌الملل اول دول بزرگ نشستند و مستقیماً دنیا را میان خود تقسیم کردند و هر کدام قیمومت بخشی را عهده‌دار شدند، پس از جنگ جهانی دوم که چنان مسأله‌ای امکان نداشت، توافقات و تقسیم‌بندی‌ها بصورت دیگری مطرح گردیده است.

در سال ۱۳۲۳، در مجلس چهاردهم، دکتر مصدق در مقام رهبری نهضت ملی ایران و برای جلوگیری از توسعه نفوذ استعمار و امپریالیسم خونخوار، که در خاتمه جنگ بین‌الملل دوم بدنبال منابع و ذخائر و بازارهای جدید می‌بود، پیشنهادی مطرح کرد دایر بر اینکه «واگذاری هر نوع امتیاز استخراج نفت کشور و مشتقات آن به خارجی‌ها و ایجاد هر نوع شرکت برای این منظور که خارجی‌ها در آن به وجهی از وجوه سهم باشند مطلقاً ممنوع است». (تکیه از ماست). دکتر مصدق در اسفند ۱۳۲۹، در مجلس ۱۶ از آن پیشنهاد - که بنام پیشنهاد تحریم امتیاز نفت معروف گردید - بدین ترتیب یادآور شده است:

«نظر من در تمام دوره چهارده پیروی از سیاست موازنه منفی بود نه مثبت. در صورتی که نظر نمایندگان حزب توده در مجلس این بود که موازنه وقتی برقرار می‌شود که همسایه شمالی هم از شمال از حقوق و مزایای شرکت نفت یعنی دولت انگلیس در جنوب بهره‌مند شود» (مذاکرات مجلس ۱۶ اسفند ۲۹ - تکیه از ماست)

و سپس دکتر مصدق اضافه می‌کند که: «در سال ۱۳۲۳ وقتی تحریم امتیاز نفت به تصویب رسید، بعضی از اعضای حزب توده و اشخاص هواخواه سیاست شوروی به من اعتراض کردند و وارد مذاکره و بحث شدند. نظرشان این بود که موازنه وقتی درست می‌شود که اول موازنه را برقرار کنید و بعد مراقب و نظارت نمائید که برهم نخورد. و می‌خواستند که قراردادی هم‌نظیر قرارداد شرکت نفت برای دولت شوروی تصویب شود. گفتم: دیگر برای ایران چه می‌ماند که موازنه را حفظ کند. ما می‌خواهیم که مجلس ۱۴ به هیچ دولتی امتیاز ندهد و هر وقت که مقتضی شد آنرا که داده است الغاء کند.» (تکیه از ماست)

در مهرماه ۱۳۲۶ وقتی پیشنهاد دکتر مصدق در مجلس به تصویب رسید و قرار داد قوام - ساد جیکف، درباره‌ی نفت شمال رد شد، دولت شوروی ضمن یادداشتی به دولت ایران نوشت «نظر به مراتب فوق دولت شوروی بر علیه عملیات خصمانه مزبور دولت ایران نسبت به اتحاد جماهیر شوروی که با روابط عادی میان دو کشور مبادینت دارد جداً اعتراض نموده و مسئولیت عواقب این امر را به عهده‌ی دولت ایران می‌گذارد.» (تکیه از ماست)

پس از تصویب سیاست موازنه منفی دکتر مصدق، و بدنبال آن رشد نهضت ملی شدن نفت ایران، مسائل جدیدی مطرح گردید. توسعه و گسترش نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق از یکطرف موجبات ترس و وحشت محافل استعماری جهانی را فراهم ساخته بود و از طرف دیگر بخاطر چشمداشت و طمعی که هریک از دول استعماری به منابع غنی و وسیع مملکت ما داشته و دارند، اختلافات این دول با هم ناگهان به اتفاق تبدیل شد و دولت سپهد رزم‌آراء با برخورداری کامل از حمایت سه دولت روس و انگلیس و آمریکا روی کار آمد تا برنامه تقسیم ایران به مناطق نفوذ یا «سیاست موازنه مثبت» را در شکل و قالب جدیدی بدست رزم‌آراء اجرا کنند. این برنامه و طرح به ابتکار امپریالیسم آمریکا تهیه شده بود و دکتر مصدق در مجلس ۱۶ بعنوان مخالفت با رزم‌آراء، از این توطئه پرده برمی‌دارد: «من شنیدم که نقشه این خودمختاری را چندی قبل یکی از دول سرمایه‌داری با علی‌حضرت همایون شاهنشاه پیشنهاد کرده است... این دولت (منظور رزم‌آراء پ م) روی کار آمده است که کورکورانه مقصود دول سرمایه‌داری را انجام نماید... قلم بشکند و ننویسم که چون افکار عمومی دنیا امروزه اجازه نمی‌دهد که عهدنامه‌ای بصورت قرارداد ۱۹۰۷ تنظیم کنند، اینست که می‌خواهند ایران را با تصویب این ماده (طرح استقلال ایالات و ولایات) به دول خودمختاری تقسیم... البته تحصیل امتیاز نفت و یا تمدید قرارداد داری از تحت‌الحمایه‌ای مثل بحرین یا آذربایجان سهل‌تر است... ما نمی‌خواهیم آمریکا وطن ما را اشغال کند یا دولت‌های خودمختاری تشکیل دهند که مقصود خود را از آنها حاصل نمایند و نه دولت اتحاد جماهیر شوروی قدمی در مملکت ما بگذارد و امتیازی از دولت‌های مخلوق خود تحصیل نماید.»

سپس دکتر مصدق فاش می‌سازد که در ۱۹۴۸ کمیسیونی که توسط سه دولت روس و انگلیس و آمریکا تشکیل گردیده بود و مسائل ایران را میان خود مطرح و با هم توافق‌هایی کرده بودند که پیشنهادات خود را طی لایحه‌ای در ۱۱ ماده بنام «کمیسیون دول سه‌گانه مأمور رسیدگی به ایران» به ایران داده بودند. دکتر مصدق در تیرماه ۱۳۲۹ خطاب به رزم‌آراء می‌گوید: «عرض کنم که این نقشه شما، نقشه سه‌جانبی است که... در دوره ۱۴ پیشنهاد شد. ما نمایندگان هم با آن مخالفت کردیم.»

به این ترتیب افشا شد که امپریالیسم و استعمار خارجی برای حل تناقضات میان خودشان، بجای جنگ و نزاع، راه حل مسالمت آمیز را اتخاذ کرده اند و برای تقسیم منابع ملی ما میان خود و غارت آنها، دست بدست هم داده اند. اما پیروزی نهضت ملی ایران و استقرار حکومت ملی دکتر مصدق این نقشه ها را بکلی درهم ریخت. دکتر مصدق سرسختانه در برابر فشارهای دول استعماری مقاومت می نمود، بطوری که سرانجام استعمار و امپریالیسم مجبور شد با طرح و اجرای کودتای ۲۸ مرداد حکومت ملی دکتر مصدق را ساقط سازد، به سرکوبی نهضت ملی بپردازد و راه را برای اجرای برنامه های طویل المدت خود هموار سازد و به مقصود چندین ساله خود برسد.

بررسی و شناخت کوشش های مکرر و مداوم دولت های استعمارگر خارجی و درک نقشه های مشترک آنها در گذشته در جهت چپاول و غارت منابع ملی، به سادگی ماهیت عملیات فعلی رژیم را آشکار می سازد.

در چهارچوب درک «سیاست موازنه مثبت» رژیم سرسپرده شاه است که می توان به هدف فعالیت ها و جنب و جوش های اخیر در ایران پی برد. نزدیکی دولت های چین و روسیه با رژیم منحوس شاه و امضای قراردادهای جدید همزمان با تمدید قرارداد نفت با کنسرسیوم، و امضای قراردادهای جدید دیگر با سرمایه داران غربی، انعکاس اجرای سیاست موازنه مثبت است که استمرار و ادامه همان سیاست تقسیم ایران به مناطق نفوذ می باشد. همان سیاست تقسیم بندی و مرزبندی های استعمار «قدیم» می باشد. اما به شکلی خطرناک تر و مودیانه تر و اسارت آمیزتر.

طرح سیاست موازنه مثبت در خدمت استعمار جهانی است. در جهت تشدید اسارت و بردگی خلق ماست و تمام خلق های محروم و استعمارزده جهان.

ملت ما این طرح را و تمام شرکت کنندگان در آن را محکوم می نماید. خلق مسلمان ایران با جهاد مسلحانه خود به این راهزنان بین المللی و خائنین داخلی جواب می دهد. جهادی که هر روز شکوفاتر می گردد، گسترش می یابد، دل ها را پر از امید می سازد. شکوفاتر باد جهاد مسلحانه خلق مسلمان ایران.

ننگ و رسوائی بر آنهایی باد که دست دوستی در دست های شاه که بخون پاک جوانان ما رنگین است، می گذارند!

## در حاشیه گزارشی از ایران

توسط خبرنگار روزنامه گاردین لندن

این گزارش که در پنج شماره از ۹ تا ۱۴ اوت ۷۲ آمده، حاکی از حرف‌هایی است که خبرنگار مذکور از شاه و هویدا و سایر مقامات ایرانی شنیده و باضافه چیزهایی هم که خودش کم‌وبیش از مسایل مختلف اقتصادی و سیاسی مشاهده کرده می‌باشد. نویسنده ابتدا بساکن برای اینکه خود را از مسئولیت گزافه‌گویی‌هایی که در این گزارش آمده، خلاص کند می‌نویسد «بعد از سه هفته اقامت در ایران دیگر با نوع زبان اغراق‌آمیز مقامات دولتی و حامیان رژیم آشنا شده‌ام» و می‌خواهد خود را بی‌طرف نگهدارد ولی گاهی تحت‌تأثیر همین گزافه‌گویی‌ها قرار می‌گیرد و بطور مصنوعی مداحی هم می‌کند و در عین حال دانسته یا ندانسته از ماهیت پوشالی دستگاه نیز بطور غیرمستقیم پرده برمی‌دارد و ترجیح‌بند این گزارش مسئله مجاهدین و چریک‌های شهری است که خاطر او را همیشه مشغول می‌دارد.

در این نوشته نکته‌هایی از این گزارش را ما مورد بررسی قرار می‌دهیم.

شاه، ایران را مترقی‌تر از چین و بعنوان ژاپن غرب آسیا می‌داند. این قیاس ممکن است از نظر تاریخی قابل توجیه باشد ولی هرکسی که کوچک‌ترین اطلاعی از وضع امروز ایران و چین و ژاپن داشته باشد بی‌اختیار به این قیاس مضحکانه و مسخره می‌خندد. از نظر تاریخی نهضت ملی ژاپن و نهضت ملی ایران همزمان با هم آغاز گردید با این فرق که ژاپن بی‌وقفه پیش رفت و ایران از همان زمان مواجه با موانع ارتجاعی و استبدادی و استعماری گردید و در پیشروی‌اش وقفه حاصل شد و اگر نتوانستند نهضت را همچون امیرکبیرها سربه‌نیست کنند، ولی همین نبض‌بریدن‌ها باعث شد که نهضت ملی نوحاسته ایران بدون اینکه بتواند هدف‌های تحول‌آفرین خود را پیاده کند، در سرتاسر حیات خود تا امروز برای از میان بردن موانع مذکور به مبارزه برخاست و از همان زمان بطور مداوم جنگیده، مرتب از درون و برون ضربه خورده، شکست دیده ولی هرگز از حرکت نیفتاده است و بالاخره امروز همچنان در حال جنگ بسر می‌برد، در حالیکه ژاپن بی‌دغدغه در میان رقابت اقتصادی دنیا به‌جرات در ردیف اول قرار دارد و از نظر رفاه اجتماع، سطح سواد و بهداشت عمومی نیز چنین است و امروز در تقسیم‌بندی‌هایی که نشریات بین‌المللی از کشورها می‌کنند، ژاپن در ردیف آمریکا و فرانسه و کانادا است و ایران در ردیف نیجریه و چاد و اردن و عربستان سعودی و غیره است. ما بخصوص وضع ژاپن را مطرح کردیم، چون هردو هم ایران و هم ژاپن به دنیای سرمایه‌داری وابسته هستند.

به مصداق مثل معروف که دروغ گو کم حافظه می شود، شاه حتی در همین مدت زمان محدود صحبت خود با خبرنگار گاردین دچار تناقض گویی می شود. در یک جا ایران را جزو ملل بزرگ قلمداد می کند و در جای دیگر رسیدن به این مقام را به پنج یا ده سال دیگر موکول می کند و در عین حال همان طور که گفته شد ایران را صراحتاً همگام ژاپن می داند.

از این تناقض گویی ها به ماهیت گزافه گویی های شاه و هویدا می توان پی برد و بی علت نیست که از انتشار آمار مؤسسات صلاحیت دار داخلی جلوگیری می شود. مرکز آمار ایران توانسته فقط آمار کلی و کمی خود را منتشر کند و از انتشار جزئیات کیفی آن جلوگیری شده است. در این آمارها وضع اسفناک شهرستان ها و دهات ایران با ارقام دقیق منعکس شده است البته نسخه هایی از این آمارها بطور مخفی به بعضی وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی فرستاده شده ولی آنها هیچ گونه حق انتشار ندارند و طبق اطلاع واصله تهیه گزارش بودجه سالانه هم به دو گونه است، یکی بودجه مخفی غیرقابل انتشار و دیگری بودجه بزک کرده و قابل پخش و نطق هویدا در مجلس و توسعه رشدی که هویدا با وقاحت تمام آنرا اعلام می کند، بر مبنای این گزارش بدلی است. یکی از مقامات عالی رتبه سابق وزارت دارائی تعریف می کرد که هر وقت قرار می شد که دفاتر از طرف مقامات بالاتر بازرسی شود قبلاً مسئول مربوطه آمارها را بررسی می نمود و دستور می داد که در صورت لزوم به ارقام درآمد یکی دو صفر لازم اضافه کنید! ما که اعتراض می کردیم می گفت مهم نیست، از صفر دریغ نکنید!

چنین است نظام اقتصادی ایران که چهارچوب آن تبلیغات و تظاهر دروغین است و پشتوانه آن اختناق و ظلم و فشار.

در چنین جامعه ایست که مطابق دلخواه دیکتاتور، بیشرمانه عوض آمارگیری، آمار می سازند و بعد با آب و تاب بر مبنای این ارقام ساختگی حقایق کشورها را وارونه نشان می دهند. از جمله نشانه های پیشرفت اقتصادی ایران در این گزارش استخراج و تولید روزافزون نفت یاد شده، غافل از اینکه افزایش تولید نفت یعنی مکیدن خون این ملت، یعنی حراج ثروت خدادادی که بیست سال تمام است که بی دریغ در کام جهنمی سرمایه داران غرب فرومی رود و نصیب ملت ما جز بدبختی و بیچارگی و فقر و فشار و ظلم و اختناق چیز دیگری نشده است. طبق پیش بینی هایی که از طرف متخصصین آمریکایی شده ذخایر نفت ایران ۵۵ میلیارد تن برآورد شده است. در مدت ده سال اول بعد از کودتا، یک درصد این ذخایر به یغما رفته است و بعد همه ساله بطور تصاعدی بر این درصد افزوده شده، طبق محاسبات، ذخایر ایران با این روند استخراجی فعلی پس از ۳۵ سال بکلی ته خواهد کشید و دوران کنسرسیوم نیز ۴۰ سال تعیین شده یعنی طوری است که در زمان انقضاء



این قرارداد، چیز دیگری باقی نمانده و تمام ثروت طبیعی این مملکت به یغما رفته است. خبرنگار، بعد از نقل کلی مداحی از اقتصاد ایران از زبان هویدا و شاه و مقامات دیگر، می‌نویسد «خیلی از صنایع علی‌رغم سود خوشایندی که می‌دهند، زیر بار سنگین قرض می‌باشند، بانک‌ها برای دادن اعتبار تضمین زیادی می‌خواهند، نرخ بهره برای یک قرض عادی ۱۲ درصد می‌باشد که برای وام‌های کوتاه‌مدت، این نرخ تا ۲۵ درصد نیز می‌رسد. با همه توسعه فوق‌العاده درآمد نفت ایران، هنوز خیلی مقروض است و برای برنامه پنج‌ساله آینده مبلغ ۳۶۰۰ میلیون دلار قرض خواهد نمود» آری اینست وضع اقتصاد مملکت که شاه آنرا مترقی‌تر از چین و ژاپن غرب آسیا می‌داند.

آن یکی اشتر بدید و گفت هی  
گفت از حمام گرم کوی تو  
از کجا می‌آیی ای اقبال پی  
گفت خود پیداست از زانوی تو

نویسنده در جای دیگر از جمله نشانه‌های رشد اقتصادی افزایش سریع جمعیت پایتخت را نام می‌برد که عده آنها از ۱/۲ میلیون در سال ۱۹۶۰ به ۲/۵ میلیون در سال جاری رسیده است و بعد اشاره به افزایش فوق‌العاده بهای زمین در تهران می‌نماید. این خود نمونه واضحی است از نشانه‌های عقب‌ماندگی مملکت که همه در تهران خلاصه می‌شود. از آنکه بگذریم شهرهای دیگر غیر از دو یا سه خیابان شاه، پهلوی، ولیعهد یا فرح دیگر چه دارند؟ تبریز دومین شهر ایران، آنچه از بعد از پیشه‌وری بر آن افزوده‌اند عبارتست از دو سه بلوار و چند مجسمه شاه! بقیه شهر بصورت دهکده بزرگی درمی‌آید. همانطور همدان، کرمان و شیراز و غیره. مردم در اثر کساد و عدم رونق بازارها از هرسو به تهران هجوم می‌آورند. ثروتمندان به تهران می‌آیند تا ثروت خود را در آنجا به کار اندازند و مردم فقیر و بیچاره هم که در اثر نداشتن وسایل تولید، آب و بذر، از زراعت مستأصل شده، از فرط فقر و گرسنگی راهی تهران می‌شوند و جزو جماعت کثیر بیکار ظاهر و پنهان تهران، حداکثر کاری که می‌کنند مثلاً بلیط بخت‌آزمایی می‌فروشند و زن و بچه را هم در جنوب شهر و در زاغه‌ها جا می‌دهند و به قول مجاهد شهید محمد بازرگانی «با غذای پس‌مانده بیمارستان‌ها، ظرفی دو سه ریال امرارمعاش می‌کنند». نویسنده گاردین به اینجا که می‌رسد دیگر حرفی برای مداحی ندارد و صراحتاً می‌نویسد: «در دنیا بدترین نوع فقری که وجود دارد - و بقدر کافی از آنرا در همین جنوب تهران می‌توان یافت» سپس می‌نویسد «بعد از غروب که هوا تاریک می‌شود از ترس مجاهدین کسی را نمی‌گذارند که نزدیک میدان شهیاد بشود. (طبق آمار رسمی که خودشان منتشر کردند ۶/۶ میلیون برای دکور این میدان خرج شده است) ولی می‌توانی دور زمین بی‌مصرف میدان قدم بزنی، آنوقت اگر مانند تهرانی‌های فقیر که برای گردش به این میدان می‌آیند، قدرت خرید یک پیسی یا کوکاکولا را نداشتی می‌توانی

یک لیوان آب یخ بخری منتهی باید دوبرابر پردازی! چرا؟ فروشنده توضیح می دهد که نصف آن سهم پلیس است تا مانع کسب او نشود» بعد اشاره به ذوب آهن نموده و می نویسد از یکی از میلیونرها که خود یکی از سهامداران ذوب آهن می باشد پرسیدم چرا ذوب آهن آریامهر یا لوله کشی گاز صدها میلیون دلار بیش از آنچه تخمین زده شده تمام شد؟ باطمینان گفت این را می گویند یک معامله ناپاک! بدین ترتیب مسئله شیوع فساد را در ایران مطرح می کند. می نویسد: فساد، راه و رسم کشورهای خاورمیانه - چه در کشورهای عربی و چه در ایران که از آنهم فقیرتر است - می باشد. شاه ده سال پیش در اثر فشار کندی شروع به مبارزه با فساد کرد ولی بعد، از آن صرف نظر نمود. مسئله اینست که شاه که خود منشاء فساد است نمی توانست با فساد مبارزه کند. بقول علامه مجاهد آیتاله طالقانی: «ذات نایافته از هستی بخش - کی تواند که شود هستی بخش» کدامین شاه در طول تاریخ، عامل کوچکترین اصلاحی به نفع مردم بوده است؟ تمام تباهی ها، بدبختی ها و خرابی ها از شاهان سرچشمه گرفته است. بقول مرجع بزرگ و شجاع مسلمین آیتاله خمینی «شاهنشاهی از ننگین ترین و مبتذل ترین مظاهر ارتجاع است» و بهمین دلیل اسلام با شدت تمام شاهنشاهی را می کوبد» پیامبر می فرماید: «شاهنشاه نزد خدا منفورترین القاب است» و قرآن شاه را منشاء و منبع فساد معرفی می نماید: ان الملوک اذا دخلوا قریه افسدوها و جعلوا اعزه اهلها اذله و کذالک یفعلون (شاهان چون به سرزمینی درآیند به فساد در آن پرداخته و عزیزان آنها را ذلیل می کنند - ارزش های اصیل آنان را بی ارزش می کنند - و این روش آنان است) ۲۷-۳۴ و بی جهت نیست که شاه محمدرضا، به رسم شاهان گذشته اینهمه به حقیقت اسلام کینه می ورزد و اینهمه دست های خود را به خون مجاهدین مسلمان می آلود و بدنبال همین نیّت ناپاک و بدستور اربابان اسرائیلی و آمریکائی خود برای ملت مسلمان ایران حماسه ناسیونالیسم مثبت را می سراید.

نویسنده گاردین دانسته یا ندانسته ادامه می دهد و می گوید «پدر شاه - ستایشگر آتاتورک - خاطرات عتیق ملت خود را احیا کرد که باعث متداول شدن رسم هخامنشی گردید که متعاقب آن بعضی ایرانیان متجدد شروع کردند به نام گذاری نام های قدیم از قبیل کوروش و داریوش بجای نام های موجود اسلامی «و در جای دیگر می گوید: «مسئله شکست اعراب در جنگ شش روزه با اسرائیل و همچنین تجزیه پاکستان باعث تحریک حس برتری جوئی نژاد آریائی در ایران می شود که موجب افتخار ایرانیان است - که از طریق نژاد رابطه خویشاوندی با غرب پیدا می کنند - که آنها را از همسایه های سامی نژاد خود مشخص می سازد. که دوستی با آنها باعث سرافکندگی است.»

دقت کنید به این نغمه سرائی غربی «این همانست که مدت ها استعمار به گوش ملل

مسلمان می‌خواند که: بلی! شما آریائی هستید و آن دیگری سامی، یکی بنگالی می‌شود و راه جدائی پیش می‌گیرد و دیگری کرد و بلوچ و... و بدنبال این اهداف استعماری، ماجرای لورنس عربستان بوجود می‌آید، آتاتورک را در ترکیه می‌زاید و رضاخان میرپنج را هم شاهنشاه ایران می‌کند و بعد ترک را دشمن عرب و عرب را دشمن فارس و فارس را دشمن ترک معرفی می‌نماید و هر روز بنحوی دیگر باعث تفرقه و شکاف بین امت اسلامی می‌گردد تا بهتر بتواند یکان‌یکان این واحدها را بلعیده و منابع ثروت‌های طبیعی آنان را غارت کند. و اگر دقت کنیم با هر تفرقه‌افکندن، صدای خنده او را شدیدتر، خواهیم شنید.

و اینک، شاه، نوکر سرسپرده استعمار غرب، بدنبال همین مأموریت با شدت تمام برای افزایش شکاف و تفرقه می‌کوشد. مسئله مهم این نیست که ریشه نژادی ما به کجا می‌رسد که این ارتجاع محض است. مسئله اینست که ما امروز کجائیم، کی هستیم، درد ما چیست و هم‌درد ما کیست و دشمن مشترک ما کدام است؟ ما با ترک و عرب و پاکستانی اگر هیچ رابطه فکری هم نداشتیم، همین درد و همدردی - واحد بودن دشمن مشترکمان - خود کافی است که ما در یک صف درآییم و علیه دشمن مشترک در یک جبهه بجنگیم، و همین همدردی و هم‌رزمی است که باعث قوام و دوام و وجدان جمعی می‌شود و بالاخره به علائق و روابط قلبی و یکپارچگی می‌رسد و آن وقت است که ترک و فارس و پاکستانی یکسان می‌شوند و خود را برادر هم می‌خوانند، ایرانی و ترک می‌رود به فلسطین و در کنار آوارگان عرب می‌جنگد و فلسطینی با الجزایری و سودانی و چادی و فیلیپینی جبهه متحد و مشترکی تشکیل می‌دهد. این چیزی است که اسلام به ما می‌آموزد و در پرتو اسلام است که علی‌رغم اختلافات ظاهری، این جماعات به وحدت و هماهنگی می‌رسند و این البته هرگز خوشایند امپریالیسم غرب و استعمار و نوکرانش نیست. اینست که با معیارهای مختص خود، ملیت هریک از این مردم را از هم جدا می‌کند و برای هر یک به زبان خود او نغمه ناسیونالیسم سر می‌کند و آنها را همان قدر نسبت بهم بیگانه و خارجی می‌خواند که کشورها و امت‌های دیگر را نسبت به آنها، می‌خواهد این مردم هم‌کیش، هم‌تاریخ، هم‌فکر از هم جدا و بیگانه باشند که چرا؟

که این جدائی و بیگانگی مستلزم تسلط و تجاوز بی‌رحمانه استعماری اوست. و این اشاره‌های نویسنده گاردین چه از زبان شاه و چه تعبیر غربی خود او از همین‌جا سرچشمه می‌گیرد. این نوای استعمار نه‌تنها باعث تفرقه و جدائی ما از برادران همسایه خود می‌شود، بلکه خود موجب از هم‌پاشیدن ترکیب جماعت ایرانی نیز می‌باشد. اگر اسلام را از ایران حذف کنیم ایرانی کیست؟ مردم مختلف ایران کرد و لر و فارس و عرب و ترک و تاجیک... همه بر نعمت اسلام با هم پیوسته‌اند و بدون اسلام هریک برای خود مدعی ملیتی است با

فرهنگ دیگر و زبان دیگر، بدون اسلام ایرانی هرگز زیر هیچ پرچمی چه ملی و چه غیرملی جمع نشده و نمی‌شود. مسئله دیگری که در این مقالات بدان توجه شده است، مسئله مجاهدین می‌باشد که همچون ترجیع‌بندی بدنبال هر مطلبی بصورت نوعی شرطی آمده است. در عین حال که نویسنده می‌خواهد زیاد به آنها اهمیت ندهد، به سختی تحت تأثیر آنهاست و آنها را بزرگ‌ترین مشکل شاه و دولت می‌داند و وحشتی را که مجاهدین در جان هیئت حاکمه انداخته‌اند مجسم می‌نماید. علاوه بر انعکاس وحشت مقامات ایرانی از عملیات جهاد مسلحانه، نویسنده دو مطلب را درباره این فعالیت‌ها عنوان نموده است. یکی اشاره به پراکندگی فعالیت‌های چریکی است و ایجاد ناراحتی در بین مردم و عدم موفقیت بعضی از مأموریت‌ها می‌باشد. باید در نظر داشت که جنبش مسلحانه مجاهدین در ایران یکی از مراحل جدید و درخشان مبارزات مردم ایران است که در یک مرحله ابتدائی و مقدماتی است که مسلماً با اشکالات زیادی از بعضی نظرها ممکن است روبرو باشد که بدون شک در طول زمان کاملتر خواهد شد و با استفاده از تجارب این پیش‌قراولان انقلاب، مجاهدین تازه‌نفس با مهارت بیشتر وارد میدان نبرد خواهند شد و مطلب دیگر اشاره به تعدد گروه‌های چریکی و اتحاد مابین آنهاست و آنرا با وحدت بین نیروهای ملی در بیست سال پیش که باعث بوجود آمدن حکومت ملی دکتر مصدق و ملی کردن نفت گردید، مقایسه می‌کند و این خود مسئله‌ایست که بیشتر موجب وحشت استبداد داخلی و استعمار خارجی است و جای خوشوقتی است که این نسل پیشرو و جوان انقلابی از ابتدا به ضرورت این وحدت و هماهنگی پی برده و صرف‌نظر از اختلاف عقیدتی در مقابل دشمن مشترک، یک صف واحد تشکیل داده‌اند. مطلب دیگری که نویسنده مطرح می‌کند و آنرا سبب سرگیجه گرفتن شاه می‌داند، موضوع همسایه‌ها می‌باشد و چنان می‌نماید که ایران اینک در محاصره قرار گرفته باشد. از یک‌طرف عراق متکی به روس و از طرف دیگر هندوستان متکی به روس، و افغانستان راه روسیه به دریای گرم هند و نفوذ روزافزون شوروی در این دریا همه باعث شده است که ایران تا دندان مسلح شود. از نظر قدرت هوایی، ایران متکی به فانتوم‌های آمریکائی است که در سال ۱۹۷۵ تعداد آنها به ۱۳۵ یعنی به بیش از آنچه اسرائیل دارد خواهد رسید و خرید جدید ایران عبارتست از ۲۰۰ هلیکوپتر طرح آمریکائی از ایتالیا و ۸۰۰ تانک از انگلیس می‌باشد و نیروی دریائی او عبارتست از چهار جنگنده و ۱۲ ناو هواپیمابر و موشک‌های گوناگون آمریکائی، انگلیسی و اسرائیلی است.... ولی واقعیت غیر از اینست. مسئله ترس از همسایه‌ها برای توجیه این همه مخارج سنگین نظامی، مطرح نیست و ایران از هیچ‌جا مورد تهدید نیست. جبهه گرفتن در مقابل عراق به دستور اسرائیل و اربابان غربی انجام گرفته که اولاً بدین ترتیب جبهه دیگری علیه اعراب و به نفع اسرائیل

باز شود و بعید نیست که اگر جنگی رخ دهد ایران بنفع اسرائیل وارد نشود، ثانیاً شاه با این همه خیمه‌شب‌بازی‌ها منظورش ایجاد سروصدا و مشغول کردن ذهنی مردم و در عین حال مشغولیت برای ارتش تشریفاتی و بالاخره بهانه برای بیشتر مسلح کردن ایران و در نتیجه تقویت خود بنفع کمپانی‌های استعمار غرب برای بهره‌کشی و استثمار ملت مسلمان ایران و سرکوبی نهضت آزادی‌خواهی در ایران و منطقه خلیج فارس. علاوه بر اینها خرید سلاح‌های سنگین از تانک و هواپیما و غیره بخاطر هدف دیگری نیز می‌باشد و آن کمک به کمپانی‌های ورشکسته آمریکائی و انگلیسی و فرانسوی و غیره و کمک به توازن پرداخت‌های این کشورها می‌باشد که ما در شماره گذشته بدان‌ها اشاره کردیم.

جنجال‌های سیاسی که در بالا بدان اشاره شد، مطمئناً به انحراف ذهنی مردم از توجه به این خیانت عظیم کمک بزرگ و مؤثری است و در مقابل روشنگری توده‌ها و افشای توطئه‌ها و خیانت‌های رژیم دست‌نشانده ایران وظیفه عموم مبارزین ملی است.

### پشتیبانی ویتنام از فلسطین

بعد از واقعه مونیخ، در حالی که کشورهای امپریالیستی وابستگان به صهیونیسم، قهرمانان فلسطینی را محکوم ساختند و جنجال‌ها و هیاهوها پانمودند و حتی شوروی و چین هم عملیات «تروریستی» را تقبیح نمودند، دولت ویتنام شمالی طی اعلامیه‌ای عملیات «قهرمانان فلسطینی» را تأیید نموده و آمریکا و اسرائیل را متهم نمود که با طرح و اجرای توطئه قتل‌عام مونیخ بهانه‌ای پیدا کرده‌اند تا عملیات انتقام‌جویانه خود را علیه اردوگاه‌های فلسطینی‌ها در لبنان و سوریه موجه جلوه بدهند.

ارگان رسمی ویتنام شمالی نوشت که «واقعه اخیر خونین مونیخ اثبات خشونت و جنایت آمریکا و اسرائیل جنایتکار و تأیید نقشه‌های سیاه نیکسون و شرکاء، در درهم‌ریختن اساس صلح، تحت برچسب منافق‌منشانه صلح و انسانیت می‌باشد».

«آنها برای ایجاد یک «هیستری» احمقانه در اسرائیل و ایجاد جنبش اعتراضی کاذب در درون «دنیای باصطلاح متمدن» طرح‌ریزی نمودند تا جنبش حق‌طلبانه مردم فلسطین را تخطئه کرده و میان کشورهای عربی اختلاف اندازند.»

## حملات جدید دولت به روحانیت

حقیقتی را که خمینی بارها بدان اشاره کرده و در عمل نیز صحت آن اثبات می‌شود اینست که استعمار و ارتجاع می‌کوشد تا به هر وسیله‌ای که در اختیار دارد از پایبندی و عمل به تعالیم اسلام و درک حقیقت آن جلوگیری کند. نه تنها اسلام بلکه مهم نیست که ما چه عقیده‌ای داریم و بقول خمینی «آنها از آدم می‌ترسند» البته ارتجاع این حقیقت را بدرستی درک کرده که اگر اسلام صحیح تفهیم شود، از فرد عادی مجاهد خواهد ساخت و بهمین خاطر است که هر جا اسلام خودی می‌نماید باشد هرچه تمامتر به آن حمله می‌کند.

در مقاله نهضت روحانیت بدون خمینی (شماره قبل) گوشه‌ای از اعمال ارتجاع، برای کوبیدن روحانیت و اسلام بطور کلی بنظرتان رسید و اکنون به ذکر شواهدی از آن می‌پردازیم.

در آخرین لحظاتی که روزنامه آماده شده و برای چاپ ارسال می‌شد اخباری در این مقوله بدست ما رسیده که بعلت اهمیت مطلب ناگزیر به حذف یکی از مقالات شده و آنرا بشماره آینده موکول نمودیم. در اینجا نیز اجباراً فقط به ذکر اخبار آن اکتفا کرده و توضیحات بیشتر را به شماره آینده موکول می‌کنیم.

### ● بازداشت آقای مطهری

روحانی دانشمند آقای مرتضی مطهری را پس از سخنرانی در مسجدالجواد بازداشت کرده و برای مدت یک هفته در توقیف نگه می‌دارند. در ضمن مسجدالجواد را نیز به ملکیت اداره اوقاف درمی‌آورند.

### ● مصادره مسجد هدایت

مسجد هدایت که تحت سرپرستی آیت‌اله طالقانی اداره می‌شد و همیشه یکی از مراکزی بود که اسلام را با دید و بینشی انقلابی تبلیغ می‌کرد، در چند ساله اخیر توانسته بود که عده زیادی از دانشجویان و روشنفکران آزادی‌خواه را در آن گرد آورد بطوری که چه در زمانی که آقای طالقانی همراه دیگر سران نهضت آزادی در زندان بود و چه در این زمان که ایشان در بافت در تبعید هستند، این تجمع همیشه بوده و هست. اکنون دولت برای شکستن این تجمع اقدام به مصادره آن و انتقالش به اداره اوقاف (آخور درباریان) نموده است و چون نیک می‌داند که مردم از هرچه که بنام اوقاف باشد متنفر هستند، اینست که بدین‌وسیله می‌خواهد این کانون انقلابی را درهم‌شکند. و هم بدین‌وسیله

آیت‌اله طالقانی را برای همیشه از مسجد هدایت تبعید کند زیرا از این پس سرپرستی مسجد را اداره اوقاف تعیین خواهد کرد.

#### ● بستن حسینیه ارشاد

مؤسسه اسلامی حسینیه ارشاد که در مدت هفت سال فعالیت مداوم خود - از سال ۱۳۴۴ - به خدمات ارزنده‌ای نائل آمده است، در این اواخر با گذاشتن یک سلسله دروس اسلامی توانسته بود که تعداد زیادی از جوانان بیدار از همه اقشار بخصوص دانشجویان دانشگاه را در خود جمع کند در کلاس‌های مربوطه آن که توسط دکتر علی شریعتی تدریس می‌شد متجاوز از ۴۷۰۰ دانشجو ثبت‌نام کرده بودند و هر جمعه بعد از ظهر کلاس‌ها دائر بود. آخرین جمعه‌ای که دانشجویان به کلاس رفتند، پس از خواندن نماز در مسجد، خود را با در بسته کلاس مواجه دیدند. مطلب روشن‌تر از آن بود که انتظار باز شدن در را داشته باشند چون از مدت‌ها قبل دولت مقدمات آنرا تهیه می‌دید و عده‌ای را دانسته یا ندانسته برعلیه آن به اقداماتی واداشته بود. و اکنون بسته شدن حسینیه زیاد برای دانشجویان غیرمترقبه نبود. دانشجویان در همان‌جا شروع به تظاهرات و شعار دادن برعلیه دولت می‌کنند و پلیس از قبل آماده شده به دانشجویان حمله می‌برد. تظاهرات با عده زیادی زخمی و جمع کثیری بازداشتی پراکنده می‌شود. آقای همایون عضو هیئت مدیره را دستگیر و زندانی می‌کنند. در زندان ایشان را مجبور می‌کنند تا حسینیه ارشاد را که مؤسسه‌ایست مستقل، به اداره اوقاف منتقل کنند.

#### ● انتقال اماکن و مؤسسات مذهبی به اداره اوقاف

اداره اوقاف یا در حقیقت سازمان امنیت، درصدد است که سرپرستی و اداره کلیه اماکن مذهبی و همچنین اداره روحانیت را در اختیار و عهده خود قرار دهد. برای این منظور اعلام کرده است که باید تمام روحانیون - غیر از شانزده نفر - از اداره اوقاف کارت صلاحیت!! تبلیغ دریافت کنند و هرکس که کارت مزبور را نداشته باشد از ادامه کار تبلیغی او جلوگیری خواهد شد. همچنین در نظر است که کلیه اماکن و مؤسسات مذهبی اعم از مساجد و غیره را به اداره اوقاف منتقل نمایند! زهی بی‌شرفی.

#### شورش دهقانان الیگودرز

دهقانان الیگودرز که از دست اجحافات شرکت سهامی زراعی و شرکت تعاونی به تنگ

آمده بودند، شورش می‌کنند. دهقانان ابتدا از پرداخت قورضی که شرکت تعاونی بدوش آنان تحمیل کرده بود خودداری می‌کنند. شرکت تعاونی برای وصول طلب! خود از ژاندارمری کمک می‌طلبد. زورگوئی ژاندارمرمها دهقانان را عصبانی‌تر می‌کند و در نتیجه به شرکت تعاونی حمله می‌کنند. زدوخوردی بین دهقانان و ژاندارمها درمی‌گیرد. ژاندارمری که خود را با دهقانان خشمگین مواجه می‌بیند، در مقابل این خشم انقلابی چاره‌ای جز اظهار عجز و توسل به اسلحه گرم نمی‌بیند و دهقانان شاکی را به گلوله می‌بندد. در این میان عده‌ای کشته و زخمی شده و گروه کثیری دستگیر می‌شوند. ژاندارمها سپس به غارت مرغ و خروس و سایر اشیاء دهقانان می‌پردازند.

### پیروزی جدید فدائیان فلسطین

در شماره گذشته ما ضمن تحلیل تاکتیک‌های جدید جنبش انقلابی فلسطین، خاطرنشان کردیم که به علت ویژگی‌های خاص فلسطین، تاکتیک جنگ انقلابی را می‌توان و باید در سطح جهانی، نه در یک محدوده جغرافیائی، علیه منابع دشمن بکار انداخت. در ماه گذشته فدائیان فلسطینی با حسابگری انقلابی توانستند پیروزی دیگری را بدست آورند و پنج نفر برادران زندانی خود را در آلمان غربی که بدنبال حادثه مونیخ زندانی شده بودند، آزاد سازند. فدائیان با تصاحب یک هواپیمای شرکت لوفت هانزا، در آسمان و تهدید به اینکه اگر برادران ما را آزاد نسازید، هواپیما را منفجر خواهیم کرد، مجاهدین زندانی را آزاد و هواپیما را به لیبی هدایت کردند و به این گونه پنج مبارز اسیر را با یک عمل قهرمانی آزاد ساختند. این پیروزی بار دیگر به همه مبارزین ملی و مجاهدین ضداستعماری می‌آموزد که با تهیه مقدمات و بررسی امکانات خود و دشمن، چگونه می‌توان بر دشمن حمله برد و موفق گردید.

*چکامه زیر پیامی است که محمد بازرگانی، یکی از شهدای روز ۵۱/۱/۳۰ از شکنجه‌گاه فرستاده است.*

### پیروزی

درون سلولم، در انتظار روز موعودم  
دلم بس تنگ گشته است، ز خود پرسم: بگو فردا چه خواهد شد؟  
جوانانی دلیر و پاک‌تر از من





آنان گذارده است، بدهد. مسئولیت پاسداری قوانین الهی و عمل به قرآن کریم، تنها راه بازیابی عظمت و عزت و شکوه پیشین اسلام و مسلمین، مسئولیت پاسداری وحدت و برادری دینی، تنها ضامن استقلال سرزمین‌های اسلامی و زداینده هرگونه نفوذ استعماری، مسئولیت فداکاری و جانبازی در راه جبران آنچه که مسلمانان به دلیل اختلاف و تفرقه از دست داده‌اند، و متأسفانه هنوز هم می‌دهند. مسئولیت سنگین دولت‌های اسلامی، در عمل به قوانین اسلام و بیرون رفتن آنها از اسارت استعمار و تلاش منحصر در خدمت امت اسلامی. مسئولیت این روزگار که بمراتب سنگین‌تر و بیشتر از روزگاران گذشته است. روزگاری که پنجه‌های استعمار تا اعماق کشورهای اسلامی فرو رفته است. روزگاری که استعمار تمام نیروها و امکانات خود را در راه ایجاد تفرقه میان مسلمانان، سران کشورهای اسلامی بسیج کرده است، می‌کوشد تا به هر وسیله‌ای که در اختیار دارد از پای‌بندی و عمل به تعالیم اسلام جلوگیری کند. تا بدین‌وسیله استعمارگران با خیال راحت به هدف‌های غیرانسانی خود - استعمار طبقه محروم - نائل آید.

در این عصر، استعمار، وابستگان و دنباله‌روهای خود را در دل جهان اسلام بکار گماشته است تا در زیر شعارهای پرزرق و برق و فریبا - و احیاناً شعار اسلام - تعالیم و فرهنگ قرآنی را از واقعیت‌های زندگی مجتمع اسلامی دور کنند تا بدین‌وسیله راه، برای تأمین منافع اربابان باز و بی‌مانع شود. نگاه کنید به ایران و فاجعه‌ها و مصائب و ویران‌سازی که در آن می‌گذرد. و این‌هم فلسطینی که رأس مصیبت‌هاست. اختلاف‌نظر و مزدوری بعضی سران کشورهای اسلامی به هفتصد میلیون مسلمان - علی‌رغم معادن و ثروت‌ها و امکانات طبیعی‌شان - فرصت و امکان کوتاه‌کردن دست استعمار و صهیونیسم و محدود کردن نفوذ بیگانگان نمی‌دهد.

خودخواهی‌ها و دست‌نشانده‌گی و تسلیم بعضی از دولت‌های عربی در برابر نفوذ مستقیم بیگانگان، مانع این می‌شود که صدها میلیون عرب نتوانند سرزمین فلسطین را از اشغال و غصب اسرائیل برهانند.

همه باید بدانند که هدف دولت‌های بزرگ از ایجاد اسرائیل تنها با اشغال فلسطین پایان نمی‌پذیرد، آنها در این نقشه‌اند - که پناه بر خدا - تمامی کشورهای عربی را به همان سرنوشت فلسطین دچار کنند. و امروز ما ناظر جهاد مبارزین فلسطینی در راه سپردن سرنوشت فلسطین به دست فلسطینی‌ها هستیم. ناظر مجاهداتی هستیم که جان بر کف به جهاد قهرمانانه علیه اشغال و تجاوز و در راه آزادی فلسطین و سرزمین‌های اشغال‌شده بپاخاسته‌اند، ناظر آنچه که دیروز دست‌نشانده‌گان استعمار در اردن و امروز در لبنان برسر این مجاهدان آوردند، ناظر تبلیغات و توطئه‌هایی که علیه آنان به انحاء مختلف، همگی به

تحریک و بدست گماشتگان استعمار و بمنظور جداکردن گروه‌های مسلمان از مبارزان فلسطینی و بخاطر بیرون کردن مبارزه از مناطق سوق‌الجیشی - که موقعیت مناسبی برای ضربه‌زدن به قوای اسرائیل و صهیونیسم، این دشمن غاصب - دارد انجام می‌گیرد هستیم. آیا مسلمانان و سران کشورهای اسلامی در چنین موقعیتی در پیشگاه خدا و عقل و وجدان مسئولیت و وظیفه‌ای ندارند، آیا رواست که مجاهدان فلسطینی بدست گماشتگان استعمار در مناطق زیر سلطه استعمار قتل‌عام شوند ولی دیگران در برابر این جنایت سکوت کنند؟ و حتی در بیرون راندن این جهاد آزادی‌بخش از مناسب‌ترین منطقه سوق‌الجیشی خودش با یکدیگر هم‌داستانی و توطئه کنند؟

آیا دولت‌های عربی و ساکنان مسلمان این مناطق نمی‌دانند که با نابودی این جهاد سایر کشورهای عربی از شر این دشمن ناپاک روی امن و امان نخواهد دید؟ امروز بر تمام مسلمانان عموماً و بر حکومت‌ها و دولت‌های عربی خصوصاً بخاطر حفظ استقلال خودشان لازم است که به پاسداری و پشتیبانی این گروه مجاهد متعهدانه اقدام کنند و از هیچ تلاشی در راه رسانیدن اسلحه و آذوقه و ذخیره به این مجاهدان دریغ نورزند و بر فدائیان مجاهد لازم است که با توکل به خدا و پای‌بندی به تعالیم قرآن کریم با ثبات و جدیت تمام در راه هدف مقدس خویش به کار خود ادامه دهند. نه آنکه از سردی و سستی بعضی عناصر افسرده شوند و به شور آزادی‌بخش‌شان لطمه‌ای رسد. تأکید می‌شود که مجاهدان و اهالی مناطقی که مجاهدان در آن سرگرم کارند با یکدیگر بر مبنای خوشرفتاری و اخوت صمیمانه اسلامی آمیزش و برخورد کنند.

از تمام مسلمانان بیدار و هوشیار و دوراندیش مخصوصاً بندگان خالص خدا و علمای اعلام خواستارم که در این روزهای مبارک از خدا بخواهند که مسلمانان را در رهائی از سلطه ناپاک استعمار یاری کنند. در مجامع ماه مبارک رمضان و اجتماعات بزرگ اسلامی دیگر مانند نمازهای جمعه و مواقع حج، بخاطر نشر و ابلاغ حقایق به تمام مسلمانان بکوشند و مردم را به پیروی قرآن - که همه را به وحدت می‌خواند - دعوت کنند و برای آزادی فلسطین و حل مشکلات خانمان‌سوزی که گریبان‌گیر سراسر عالم اسلامی شده است، دست بدست هم بدهند. از خدای بزرگ خواستارم که دست بیگانگان را از سرزمین مسلمانان قطع فرماید «أَنَّهُ سَمِيعٌ مَّجِيبٌ»

سوم رمضان ۱۳۹۲ هجری

روح‌الله الموسوی الخمینی

## انتقال به فارس

مهندس عزتاله سبحانی را که به ۱۱ سال زندان محکوم شده بود، از تهران به یکی از زندان‌های فارس منتقل کرده‌اند.

### بیانیه جبهه آزادی‌بخش ملی چاد درباره هیاهوی آشتی ملی در چاد

#### مقدمه از پیام مجاهد:

در حالیکه هر گلوله‌ای که در ویتنام و خاورمیانه به صدا درمی‌آید، در تمام دنیا منعکس می‌گردد، چاد به آرامی وارد هفتمین سال جهاد مسلحانه خود می‌گردد. در اوت ۱۹۶۰ دولت دوگل استقلال چاد را اعلام کرد. در طی دوران مبارزات ضداستعماری در چاد، دو حزب سیاسی به وجود آمدند. یکی بنام حزب ترقی‌خواه چاد (بی‌بی‌تی) وابسته به استعمارگران، و دیگری حزب آفریقای ملی (بی‌ان‌آی). مسلمانان که اکثریت جمعیت چاد را (۲/۵ میلیون) تشکیل می‌دهند و در تمام نواحی شمالی و مرکزی متمرکز هستند، در حزب بی‌ان‌آی متشکل می‌باشند. همگام با استقلال چاد، دولت فرانسه برای استمرار سلطه استعمارگران خود توانست با دخالت‌هایی رهبر حزب ارتجاعی بی‌بی‌تی را بنام (توم‌بال‌بی) به ریاست جمهوری تعیین نماید. توم‌بال‌بی در مارس ۶۱ دولت جدید را تشکیل داد و برای جلوگیری از تصادم با حزب آفریقای ملی، سران و رهبران آنرا به همکاری با دولت دعوت کرد. اما در ۱۹۶۳ در حالیکه هنوز قوای فرانسه در چاد بود، توم‌بال‌بی حزب آفریقای ملی و مسلمانان را متهم به خرابکاری کرد، مجلس را منحل نموده و به کمک ارتش فرانسه به توقیف و حبس و تبعید آزادی‌خواهان و مبارزین ضداستعمار پرداخت. توم‌بال‌بی پس از آنکه نیروهای مقاوم را ظاهراً سرکوب نمود، طی انتخاباتی که فقط کاندیداهای دولتی حق شرکت را داشتند، انتخابات را با ۹۹ درصد آرا برد! و از آن زمان حکومت ترور و وحشت را بر مردم زحمتکش و استعمارزده چاد مسلط ساخت. در ۱۹۶۵ دولت فرانسه که ظاهراً اوضاع چاد را آرام و مطابق دلخواه خود پنداشته بود، قوای نظامی خود را از چاد خارج ساخت. اما طی قراردادی با حکومت دست‌نشانده توم‌بال‌بی، فرانسه سه پایگاه عظیم هوایی خود را در چاد حفظ نموده و همچنین تعهد کرد که رژیم توم‌بال‌بی را در برابر خطرات داخلی یا خارجی محافظت نماید. در همان سال (۱۹۶۵) پس از خروج قوای فرانسه از چاد، مبارزین ضداستعماری بلافاصله جهاد مسلحانه خود را آغاز

نمودند و جبهه آزادی‌بخش چاد (فرولینا) تشکیل گردید. دکتر اباصدیق که طب و جراحی را در اروپا تحصیل کرده است و پس از استقلال چاد وزیر فرهنگ چاد و از رهبران حزب آفریقای ملی بود، پس از آزاد شدن از زندان، به جبهه آزادی‌بخش پیوست و بزودی رهبری جنبش را در دست گرفت. جنبش انقلابی بسرعت در سرتاسر چاد توسعه یافت. حملات مسلحانه جنبش آزادی‌بخش عرصه را چنان بر دولت پوشالی چاد تنگ کرد که دولت فرانسه مجبور به دخالت شد. گروه اول لژیون با تمام تجهیزات اعزام گردید. اما مردم مسلمان مجاهد، سخت مقاومت می‌کردند و دلیرانه می‌جنگیدند. سپس دولت فرانسه به موجب پیمان نظامی ناتو، از سایر دول اروپایی درخواست کمک کرد. آلمان غربی با ارسال وسایل نظامی به ارزش شش میلیون مارک و تجهیز و اعزام گروه شماره دو چتربازان لژیون خارجی به کمک فرانسه شتافت. اما نیروی استعماری و دولت پوشالی علی‌رغم تجهیزات خودشان نتوانستند اراده مصمم خلق مسلمان چاد را درهم‌شکنند. حتی وحشی‌گری‌های بی‌سابقه نیروهای اجیرشده لژیون خارجی نتوانست مقاومت سرسختانه مردم قهرمان چاد را درهم‌شکنند. یکی از افراد لژیون اعزامی وضعیت را این‌چنین ترسیم می‌کند. (مجله اشپیگل آلمان نوامبر ۱۹۷۰) «ما فرمان داریم بسوی هرکسی که فرار می‌کند تیراندازی کنیم. بنابراین اغلب افراد بی‌گناهی که با انقلابیون رابطه ندارند کشته می‌شوند... به ما فرمان داده شده که به دهات حمله کنیم. در راه حرکت به ده به یک زن برخورد کردیم. رئیس گروه این زن بی‌گناه را بی‌چون‌وچرا با یک گلوله اسلحه به قتل رسانید. در چند متری این ده ما مخفی شدیم و از آنجا قریه را به زیر آتش توپ‌های خود و نارنجک کشیدیم، کلبه‌های دهقانان زیر شعله‌ها نابود شدند... در یکی از کلبه‌ها دو نفر جوان مشکوک را دستگیر ساختیم. افراد گروه شکنجه سه بار چند ناخن این دو جوان را از ریشه کردند و نیز بیضه‌های آنها را با گازانبر به هم فشار می‌دادند. این نحوه شکنجه‌های معمولی بود ولی آنها هنوز حرفی نمی‌زدند... بعضی از افراد لژیون‌های باتجربه و قدیمی که از جنگ چاد خیلی دل‌خوشی ندارند شکایت می‌کنند که هندوچین و الجزایر جبهه‌های جنگ جالبی بودند. اما در اینجا (چاد) برای ما جز یک قصابی و کشت و کشتار معمولی چیز دیگری نیست».

همین لژیون اعزامی، روحیه مجاهدین چاد را این‌گونه بیان می‌کند: «اکثریت مردم چاد از انقلابیون پشتیبانی می‌کنند، اگر این پشتیبانی نبود تابحال ما توانسته بودیم انقلاب را خاموش سازیم. هرچند که ارتش چاد ترسو و ضعیف است ولی انقلابیون از نظر تسلیحات جنگی خیلی از ارتش چاد و فرانسوی عقب‌تر هستند. بسیاری از گروه‌های انقلابی فقط با تیروکمان و شمشیر می‌جنگند و به تعداد کمی از اسلحه‌های قدیمی مسلح هستند. ولی همه

آنها در صورت محاصره نظامی تا آخرین فرد می‌جنگند. تمام انقلابیون خوش دارند که کشته شوند ولی حاضر نیستند همکاران انقلابی خود را لو دهند.»

علی‌رغم ضعف نظامی، مجاهدین از نیروی لایزال ایمان به خدا و اعتقاد به قدرت خلق خودشان برخوردار هستند. و مدت هفت سال نیروهای دولت پوشالی و فرانسوی و آلمانی را عاجز ساخته‌اند. بدنبال احساس و اعتراف این ضعف است که دولت پوشالی چاد، دست به حيله جدیدی زد بنام «آشتی وطنی» و قصد و غرض آنها این بوده و می‌باشد که اولاً در جبهه نیروهای انقلابی ایجاد شکاف و اختلاف نماید و ثانیاً با دعوت برخی از رهبران جبهه آزادی‌بخش به همکاری در دولت، آزادساختن زندانیان سیاسی، از سقوط حتمی خود و پیروزی نهائی انقلاب جلوگیری نماید. اعلامیه اخیر فرولینا از روی این دسائس دشمنان خلق چاد پرده برمی‌دارد. از آنجا که ما، سرنوشت کلیه جنبش‌های رهائی‌بخش را بهم مربوط و وابسته می‌بینیم و از آنجا که تنها با استفاده از تجارب انقلابی همه نهضت‌های رهائی‌بخش است که نهضت جهاد مسلحانه در ایران می‌تواند در جهت استمرار و گسترش جنگ انقلابی ادامه یابد، پیام مجاهد متن اعلامیه فرولینا را که اخیراً بدست آورده است، ترجمه و در اختیار خوانندگان می‌گذارد.

#### آشتی ملی (التصالح الوطنی)

رژیم فورلامی در سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۱ زندانیان سیاسی را که از سال ۱۹۶۳ زندانی و یا مدت زندانیشان تمدید شده بود، آزاد کرد. هدف از این آزادکردن‌ها چیزی جز زمینه‌سازی برای اعلام آشتی ملی نبود تا با اعلام آن افکار عمومی را در داخل و خارج منحرف کرده و حقایق رویدادهای چاد را مخفی کنند. از این جهت دست‌نشانندگان استعمار جدید در فورلامی صدا به آشتی ملی بلند کردند. ولی چه موقع حملات خفقان‌آور بعدی آغاز می‌گردد؟ این همان سؤالی است که ما در اعلامیه مورخه اول ژوئیه ۱۹۷۱ تحت عنوان (سازش ملی نیرنگی بیش نیست) طرح کردیم. این سؤال را توم‌بال‌بی دست‌نشاننده و همکارانش با مداومتشان به بازداشت‌های کوبنده جواب دادند.

فرولینا، سازمان آزادی‌بخش ملی چاد، این بازداشت‌های دامنه‌دار را که اخیراً پایتخت (فورلامی) شاهد آنها بوده و با تلخی فراوانش تحمل کرد و در نتیجه صدها تن از فرزندان خلق که در بین آنان رقم بزرگی از زندانیان سیاسی سابق نیز بودند قربانی شدند و لذا مجدداً موج فشار و اختناق بازگشت کرده علی‌رغم تبلیغات پرسروصدای سازش ملی، اوضاع بحال اول درآمد.

در حقیقت توم‌بال‌بی مزدور و اربابانش با ادامه این بازداشت‌ها و قلدری‌ها، کاری جز پیاده کردن یک دور از مانورهای خیانت‌کارانه‌ای که برای آنان بصورت یک عادت درآمده

است انجام نداده‌اند. جالب اینجاست که همین مانورها و خیمه‌شب‌بازی‌ها موجب شد که ماسک‌ها پاره شود و پوشش از چهره حقیقی این ارمغان سیاسی آنها که بنام دروغین و خیالی «سازش ملی» نام‌گذاری شده بود، برداشته شود.

دستگاه حاکمه در فورلایمی به خیال خود توانسته است که تناقضات سیاسی و اجتماعی را بواسطه این مانور و نیرنگ سیاسی بهم درآمیزد. خوب بود که دست‌نشانندگان استعمار و اربابانشان درمی‌یافتند که کوشش آنان برای درهم‌کوبیدن اراده ملت به‌زور، و ایجاد جوّ پلیسی و ترسناک، چه نتایج وخیمی ببار خواهد آورد. ولی وقایع دلالت دارد بر اینکه این نوکران استعمار به‌هیچ چیز جز ازدیاد وخامت اوضاع که در سرتاسر چاد و بالاخص در پایتخت (فورلایمی) روزافزون است توجه ندارند.

اگر منظور از تمام این فشارها و بازداشت‌های دسته‌جمعی درهم‌کوبیدن فرولینا است، پس باید بدانند که هم‌اکنون تیره‌های نیروی آزادی‌بخش ملی، در میدان مبارزه، به قوای مزدور و فرانسویان تجاوزکار درس‌هایی سخت عبرت‌انگیز می‌دهند. زیرا در تمام جبهه‌ها بخصوص در دو جبهه منطقه شرقی و میانه، عرصه را بر آنان تنگ کرده، آنان را به‌ستوه آورده‌اند. و این اعمال مذبحخانه قوای مزدور فورلایمی، دلیل قاطعی بر شکست آنان در تمام جبهه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی بوده روشنگر آنست که سرانجام آنان نابودی است.

استعمارگران و دست‌نشانندگان بدانند که فرولینا مسئولیت مبارزه انقلابی مسلحانه‌ای را که از چند سال پیش شروع کرده است پذیرفته و اعلام می‌دارد که این مبارزه پیگیر و همه‌جانبه را تا نابودی کامل امپریالیسم جهانی به تمام آشکالش، در تمام جبهه‌ها و علی‌رغم مانورها و خیمه‌شب‌بازی‌هایی که به کمک مزدوران و دست‌نشانندگان‌شان به‌کار می‌بندند، ادامه می‌دهد.

جبهه آزادی‌بخش ملی چاد این اعمال زور و اختناق وحشیانه و بازداشت‌های دسته‌جمعی را که دست‌نشانندگان فورلایمی، ضد هموطنان غیرنظامی و بیگناه ما، زنان و کودکان، پیرمردان و نوجوانان معمول می‌دارند بشدت نفی و محکوم می‌کند.

جبهه آزادی‌بخش ملی چاد از افکار عمومی جهانیان می‌خواهد که برای برملاکردن این اعمال ضدانسانی دارودسته توم‌بال‌بی دست‌نشانده، که با بازگذاشتن دست‌هایی که برای ایجاد جوّ پلیسی کار می‌کنند، برای خلق چاد محیطی اختناق‌آور پدید آورده‌اند، دخالت کرده آزادی فوری تمام زندانیان را بخواهند.

زنده باد همبستگی ملت‌های مبارز بر ضد استعمار و امپریالیسم.

پیروزی، همیشه هم‌پیمان ملت‌های مبارز است.

جبهه آزادی‌بخش ملی چاد (فرولینا) - دفتر تبلیغات - به تاریخ ۷۲/۷/۲۴

## پیام محصلین علوم اسلامی بمناسبت هفته ویتنام

بسم الله الرحمن الرحيم

توسط سفیر محترم حکومت انقلابی موقت جمهوری ویتنام جنوبی - بغداد

خلق قهرمان ویتنام

با تقدیم دروهای فراوان و اطمینان به پیروزی نهائی خلق قهرمان ویتنام بر امپریالیسم آمریکا، با فرارسیدن هفته همبستگی خلق‌های جهان با خلق قهرمان ویتنام، فرصت را مغتنم شمرده، ما محصلین علوم اسلامی به نمایندگی از جانب روحانیت مبارز ایران نیز به سهم خود به وظیفه انسانی و اسلامی خود عمل نموده، پشتیبانی خود را از نبرد عادلانه خلق ویتنام علیه امپریالیسم جهان خوار آمریکا، اعلام می‌داریم.

امپریالیسم آمریکا پرچمدار غارت خلق‌های ستمدیده جهان است و با قدرت آتش و دلار، پیوسته انسان‌ها را نابود می‌سازد تا هرچه بیشتر به استعمار و استثمار خود بیافزاید. امپریالیسم آمریکا، کشورهای آسیا، آمریکای لاتین و بلکه جهان را صحنه تاخت و تاز خود قرار داده و ویتنام را به آتش و خون کشیده است و درصدد است کشورهای دیگری را مانند کشورهای منطقه خاورمیانه عربی و ایران و ترکیه، بلکه جهان را چون ویتنام به آتش کشد. خلق ویتنام با اراده آهنین و فداکاری‌های کم‌نظیر خود، آمریکا و قدرت آتش آنرا به زانو درآورده و با مقاومت خویش به دنیا ثابت کرده است که قدرت خلاق انسان از عظیم‌ترین تکنولوژی تاریخ هم بزرگ‌تر و فراتر است، زیرا تاکنون سه امپریالیسم ژاپن، فرانسه و آمریکا را شکست داده است و اگر دیگر خلق‌های جهان هم ارزش خود را بشناسند و بر پای خود بایستند و سرسختانه وارد میدان نبرد شوند، آنان نیز آزادی را بازخواهند یافت و به سهم خود دشمن مشترک خلق‌ها را شکست خواهند داد.

ما بنام روحانیت مبارز و ملت مسلمان ایران و با الهام از اصول انقلابی اسلام، که آزادی خلق‌ها از بوغ ستمگران و استعمارگران و کمک به ملل ستمدیده و دربند از برنامه‌های اصولی آنست، برخود لازم می‌دانیم که همبستگی خود را با خلق ویتنام اعلام نموده و پیروزی‌های خلق قهرمان ویتنام را بر علیه امپریالیسم آمریکا، پیروزی خود بدانیم و سران سرسپرده و مزدور بعضی کشورهای اسلامی که سیاست تجاوزکارانه آمریکا در ویتنام را تأیید می‌کنند و برای پیشبرد این سیاست‌ها از هیچ‌گونه کوشش و کمکی دریغ نداشته و ندارند، شدیداً تقبیح نموده و جداً خواستاریم که حساب آنان را از حساب مردم مسلمان جدا سازند. ملت مسلمان ایران که تحت رهبری و مبارزات پی‌گیر پیشوای اسلامی و انقلابی،



حضرت آیت‌اله خمینی، روز بروز بر حاکمیت استعمار و صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا بر کلیه شئون و مقدرات ایران اطلاع بیشتری یافته و مبارزاتشان اوج می‌گیرد، و شروع فعالیت‌های چریکی که بدست سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر سازمان‌های انقلابی به وجود آمده، آینده نو و انقلابی‌تری را نوید می‌دهد و عملیات دو سال اخیر پیشگامان انقلابی ملت مسلمان ایران و رشد روزافزون هوشیاری مردم، بزرگ‌ترین شاهد این اوج‌گیری نویدبخش است.

ملت ایران که ناظر غارت ثروت و همه هستی خود بدست امپریالیسم آمریکا است و می‌بیند که همه شئون کشور بجای اینکه ایرانی باشند، آمریکائی و اسرائیلی است. ملت ایران که شاهد پایگاه‌های نظامی آمریکاست که در ایران نقش حاکمیت اصلی را ایفا می‌نماید، آری چنین ملیتی نبرد ضدامپریالیستی و ضدآمریکائی خلق دلاور ویتنام را می‌ستاید و به دیده تحسین می‌نگرد. ملت ایران که شاهد مصونیت سیاسی و قضائی مستشاران نظامی آمریکا در ایران است، نمی‌تواند ساکت بنشیند.

رهبر عالی‌مقام مردم، حضرت آیت‌اله خمینی، هنگام تصویب قانون ذلت‌بار (کاپیتولاسیون) با شدت تمام به این مسئله اعتراض کرده اعلام داشتند که: «رئیس جمهور آمریکا منفورترین افراد بشر در نزد مردم ایران است». شاه عامل سرسپرده آمریکا، ایشان را دستگیر و از کشور تبعید نمود و مردم را گروه گروه به زندان‌ها انداخت. هیچ‌کس کشتار وحشیانه پانزده هزار مردم بی‌دفاع را در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ (پنج ژوئن ۱۹۶۳) که به حمایت از پیشوای اسلامی خود قیام کرده بودند و بدست عمال آمریکا صورت گرفت را فراموش نمی‌کند. ملت ایران که تحت شرایط پلیسی حاکم نمی‌تواند تنفر خود را نسبت به اقدامات آمریکا در ویتنام ابراز دارد، به هنگام ورود نیکسون به تهران با انفجار بمب در راه او و با پرتاب سنگ از او استقبال کرد و بدین‌وسیله اعتراض خود را به اقدامات نیکسون و همبستگی خود را با مبارزین ویتنام اعلام داشت. ایالات متحده در خاورمیانه نیز (وان تیو)های متعدد درست کرده که شاه یکی از ددمنش‌ترین آنهاست. ملت ایران همدوش خلق‌های مبارز منطقه در فلسطین و خلیج و غیره به مبارزه علیه آمریکا سردهسته غارتگران بین‌المللی ادامه خواهد داد. ما می‌دانیم که بهترین کمک به خلق ویتنام کوشش خلق ما در برانداختن رژیم شاه یعنی (وان تیو)ی ایران است. و یقین داریم همان‌طور که در کتاب اسلامی ما، قرآن آمده است: «سرانجام پیروزی و پیشوایی جهان از آن کسی است که مورد ستم قرار گرفته و در صفوف بهم‌فشرده به مبارزه ادامه می‌دهند و در راه تکامل خویش از هیچ خطری نمی‌هراسند».

مردم ایران، ایالات متحده آمریکا و مزدوران سرسپرده‌اش را بزرگ‌ترین دشمن خود و

دشمن بشریت می‌دانند و مبارزات و نبرد ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی خود را از نبرد افتخارآفرین خلق ویتنام علیه امپریالیسم آمریکا جدا نمی‌دانند. آری همه آزادی‌خواهان و انقلابیون ضداستعمار همگام و همبسته‌اند.

ما از پیشنهاد هفت‌ماده‌ای ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۲ که از طرف حکومت انقلابی موقت ویتنام جنوبی برای حل مسئله ویتنام پیشنهاد شده، پشتیبانی می‌کنیم. ما بمباران‌های وحشیانه تجاوزکاران آمریکائی را در ویتنام محکوم می‌کنیم. ما کمک‌های گوناگون رژیم دست‌نشانده ایران را به دارودسته وان‌تیو شدیداً محکوم می‌نمائیم.

ما معتقدیم که نبرد خلق‌های هندوچین در راه آزادی میهن و حق تعیین سرنوشت، نبردی است عادلانه و انسانی که هرچه زودتر باید به نفع نیروهای حقیقی آن منطقه، به پایان رسد و تجاوزکاران آمریکائی از این سرزمین بدون هیچ قیدوشرطی خارج گردند. به امید پیروزی کلیه خلق‌های ستمدیده جهان و شکست امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان.

هشتم آبان ماه ۱۳۵۱

محصّلین علوم اسلامی ایران

## درباره جنبش انقلابی فلسطین

«اصل این مقاله تحت عنوان - درباره سازمان تروریستی عرب - به قلم دیوید هیرست در منچستر گاردین ۱۴ اکتبر ۱۹۷۲ آمده است» پیام مجاهد.

در سال ۱۹۴۴ بدنبال ترور لرد «موین» وزیر کشور انگلیس در قاهره بدست تروریست‌های اشترن (وابسته به صهیونیسم) وینستون چرچیل در مجلس عوام انگلیس اخطار کرد که «وجود هرگونه امید برای یک آینده مسالمت‌آمیز و موفقیت‌بار برای صهیونیسم بسته به این است که این‌گونه عملیات شرارت‌آمیز قطع شود و ساق و ریشه مسئولین آنها محو شود» مدافعین صهیونیسم چنین استدلال کردند که این دو جوان قاتل عضو دسته اشترن، بطور عمیق تحت تأثیر ناراحتی مردم خودشان بوده‌اند و گفته شد که یکی از آنها شاهد انفجار کشتی «پاتریا» بود که سرنشینان بدبخت و آواره آن، با انفجار کشتی، دسته‌جمعی خودکشی کردند، قطعات نعش آنها را بعداً از دریا بیرون آوردند، اما مقامات انگلیسی این جریان را کاملاً انکار کردند.

(شواهدی در دست است که انفجار کشتی مزبور بدست سازمان‌های تروریستی یهودی و برای کسب توجه دنیا انجام گرفت. مترجم) در دادگاهی که برای آنها در قاهره تشکیل شده بود، وکیل مصری آنها اعلام نمود «یهودی‌ها هرگونه تلاش کردند ولی کسی صدای آنها را نشنید، بعضی این‌چنین نتیجه گرفتند که لازم بود که آنها اینچنین خود را قربانی کنند تا از دنیا بخواهند که مردمشان را نجات دهد» دومین قتل پرجنجال یک غیرمصری در خاک مصر، بعد از ۲۷ سال در اولین عملیات گروه سپتامبر سیاه رخ داد که چهار جوان فلسطینی «وصفی ظل» نخست‌وزیر اردن را در پله‌های هتل «شریتون» قاهره از پای درآوردند. مدافعین این جریان هم خاطرنشان ساختند که وصفی ظل مسبب فاجعه اخیر (قتل عام مردم فلسطین در سپتامبر ۱۹۷۰ بدست ارتش اردن - مترجم) مردم فلسطین و اخراج بیرحمانه فدائیان از اردن بوده است. همان وقت اعلام شد که بدن «علی ابویاض» بنیان‌گذار سپتامبر سیاه را پس از دستگیری و قتل، به عقب تانک‌های سنتریون بسته و روی زمین کشیده‌اند. یکی از تروریست‌ها گفت که به چشم خود دیده که نیروی بدوی وابسته به ملک‌حسین به خواهرش تجاوز کردند و بچه‌اش را سربردند.

«دیلی لوژر» از بیروت می‌نویسد که اینک فلسطینی‌ها در مبارزه خود علیه صهیونیسم، بعد از گذشت ۲۷ سال، دیگر بار متدهای (تروریستی) اشترن و ایرفان (گروه‌های تروریستی یهود) را بکار می‌بندند و عکس‌العمل عرب برای ریشه‌کن کردن این عملیات زیادت‌تر از عکس‌العمل جامعه یهودیان در فلسطین علیه ریشه‌کن کردن تروریست‌های خودشان نیست. تروریسم صهیونیستی وقتی متوقف شد که اسرائیل از میان بقایای جامعه عرب، در فلسطین به وجود آمد و بدین‌سان دلیل وجودی آنان از میان رفت و بهمین ترتیب تروریسم فلسطین ادامه خواهد یافت تا وقتی که دلیل وجودی آن از میان برود. نوعی توافق با اسرائیل می‌توانست حل این مسئله را ممکن سازد. یا همچنین یک تغییر اساسی در دنیای عرب. برای اینکه سپتامبر سیاه حاصل اختلاف مابین عرب و اسرائیل و همچنین مابین خود اعراب است و این یک امر تصادفی نبود که اولین قربانیشان یک عرب باشد و بنظر هم نمی‌رسد که او آخرین نفر باشد.

گروه اشترن هم تنبیه خائنین یهودی را از وظایف خود می‌دانست برخوردار کلی رژیم‌های عربی به سپتامبر سیاه یک حالت بینابینی دارد، همانسان که نمایندگی یهود نسبت به دسته‌های ایرفان و اشترن داشت. ولی نمایندگی یهودی در محکومیت زبانی این دسته‌ها از آنچه رژیم‌های عربی علیه فدائیان کرده‌اند، سرسخت‌تر بوده‌اند. مگر اینکه به جهت دلایل خودخواهانه بخواهند از فعالیتشان جلوگیری کنند. البته ملک‌حسین یک حالت استثنائی است. او سپتامبر سیاه را با یک لحن تند بخصوصی محکوم کرد. برای اغلب اعراب مسئله از

لحاظ اصول اهمیت کمتری داشت تا بصورت یک اخطار انتقام‌جویانه، بطوری‌که یکی از قاتلین وصفی ظل گفته، سپتامبر سیاه لیستی از عرب‌ها تهیه کرده که باید ترور شوند. رژیم‌های دیگر خود را متقاعد کردند که بگویند ما را با سپتامبر سیاه کاری نیست. اغلب رژیم‌ها نه محکوم کردند و نه بطور رسمی تحسین نمودند. در روزنامه‌ها و رادیوی تحت‌کنترل دولت، آنها عذرخواهی کردند و مسئله را بنحوی توجیه نمودند و مخصوصاً آنها ناراحت از این امر شدند که چرا دنیا آنرا بعنوان یک تجاوز ناجوانمردانه تلقی کرده است. روش سپتامبر سیاه ممکن است شبیه روش اشترن باشد ولی جنبه‌های اخلاقی و انسانی قضایا به هم شبیه نیست. این اختلاف اخلاقی بنا به نظر یکی از تئورسین‌های غیرفلسطینی راجع به فلسطین اساساً بر این مبناست که تمام جریان را صهیونیست‌ها آغاز کردند و فلسینی‌ها اینک عکس‌العمل نشان می‌دهند.

ممکن است بعضی از ما درواقع توهماتی راجع به اینگونه تروریسم داشته باشیم ولی ما در عین حال اسرائیل را هم محکوم می‌کنیم که بر مبنای همین تروریسم بنا شده و تا امروز بکرات و مستمراً از تروریسم خود تجلیل نموده است. کافیسست به رهبران پیشین تروریسم نگاه کنید که چگونه در میان اسرائیلی‌ها از احترام عمومی برخوردارند «مارسله نینو» را در نظر بگیرید. در سال ۱۹۵۴ که رابطه میان آمریکا و مصر را که داشت خیلی خوب می‌شد، اسرائیلی‌ها تصمیم گرفتند که آنرا بهم بزنند. شبکه جاسوسی اسرائیل در مصر با گذاشتن و انفجار بمب در مؤسسات آمریکائی در مصر مانند کتابخانه و سینما توانستند روابط مصر و آمریکا را بهم بزنند. «مارسله نینو» یکی از مأمورین آن خرابکاری بود در دادگاه مصری او را ۱۴ سال زندان محکوم کردند و بعد از جنگ شش روزه ژوئن ۱۹۲۷ به اسرائیل بازگشت و اخیراً عروسی نمود. و گلدا مایر در عروسی او شرکت کرد و او را قهرمان نامید. و موشه دایان هم که آنجا بود گفت که پیروزی در جنگ باعث آزادی تو شد». بنابراین مطالعه این نوع تروریسم و عملیات خرابکارانه که تا حال بصورت مرموز و نامشخص و مایوس‌کننده‌ای باقی مانده است امکان آن را می‌دهد که سوابق تروریسم اسرائیل برملا شود. توجیه کردن سپتامبر سیاه به دنیا، یک موضوع است و عملاً تحریک آنها درست یک موضوع دیگر. در این مورد رژیم‌های عربی بسیار محتاط هستند. این مسئله بخوبی معلوم شده که آنها از لحاظ مالی و مهمات و جاسوسی و آموزش و سایر خدمات دیگر سازمان الفتح را که سپتامبر سیاه هم تا حال آن‌طور که پیداست یکی از شعبه‌های آن می‌باشد یاوری می‌کنند. اما مصر و فدائیان اساساً هرکدام دارای هدف‌های مجزائی هستند. مصر می‌خواهد که مناطق از دست‌رفته خود در سال ۱۹۶۷ را بازیابد و فدائیان تمامی فلسطین را می‌خواهند. مصر مانند سازمان‌های سیاسی یهودی در گذشته

امید دارد که از طریق دیپلماسی به هدف‌های خود برسد ولی درست مانند سازمان‌های یهودی که اجازه داده ارتش یهودی هاگانا با سازمان تروریستی ایرفان و اشترن همکاری نماید تا بدین‌وسیله عملیات دیپلماسی خود را تقویت نماید، مصر نیز از آنها بعنوان یک وسیله برای رسیدن به منظورهای ملی خود استفاده می‌کند.

دومین سالگرد مرگ ناصر ما را بیاد گفته او راجع به نهضت چریکی می‌اندازد که آنرا بعنوان عالی‌ترین پدیده‌ای که اعراب بعد از شکست تلخ خود بوجود آورده‌اند توصیف می‌کند و همچنین باز ناصر بود که در جریان رشد سریع فدائیان به ملک‌حسین «چراغ سبز» داده یا چیزی که حسین از آن بعنوان چراغ سبز تفسیر می‌کند که باعث بوجود آمدن جنگ داخلی در سپتامبر سیاه ۱۹۷۰ شد. به نظر می‌رسد که اینک موقع آن شده باشد که مصر دوباره کوشش نماید که فلسطینی‌ها را به اطاعت خود دریاورد. حادثه مونیخ سادات را در معرض انتقام وسیع اسرائیل قرار داده است در حالی که مصر در آنچنان وضعی نیست که بتواند از عهده مصاف با آن درآید.

در جریان فرونشاندن عملیات فدائیان از طرف لبنان در خاک لبنان، سادات، علاقه فوق‌العاده‌ای نشان داده است. او می‌ترسد که اگر این کار انجام نگیرد اسرائیلی‌ها در حمله دیگر خود تا مدت نامعلومی در جنوب لبنان باقی بمانند. سادات همچنین از فلسطینی‌ها خواسته است که در خارج یک دولت فلسطین آزاد تشکیل دهند.

روشن نیست که هدف او از این طرح چیست. ممکن است بعضی رهبران میانه‌رو فدائیان مانند «خالدحسین» میانجی‌گری کند که یک همچون طرحی پذیرفته شود و کسان دیگر هم خواهند بود که آنرا رد کنند. و جناح چپ جبهه خلق همواره این طرح را رد کرده است. آنها از وجود یک تله در پشت‌سر این طرح در شک و تردید هستند.

ظاهراً سادات به علاقمندی و وابستگی خود به مسئله فلسطین عمق می‌دهد. ولی عملاً فلسطینی‌ها می‌ترسند که هدف واقعی سادات این باشد که رهبری سازشکاری بوجود آورد که هرگونه راه حل تسلیم‌آمیزی را که سادات بخواهد آن رهبری صحه بگذارد. او می‌خواهد که به‌وسیله‌ای فلسطینی‌ها را وادارد که عناصر افراطی را برکنار کنند ولی به نظر می‌رسد که در رسیدن به این هدف شانس کمتری داشته باشند. تنها شانس او و هرکس دیگری در فرونشاندن عملیات فدائیان در این است که علل بوجود آمدن آنها را از بین برد و آن اینک یک قرارداد مسالمت‌آمیزی که به حد کفایت قابل قبول برای فلسطینی‌ها باشد تهیه نمایند. و یا از طریق تغییر اساسی در دنیای عرب موقعیتی برای فلسطینی‌ها بوجود آورد که بیش از پیش و بطور مؤثر بتوانند علیه اسرائیل در سرزمین خود در خاورمیانه مبارزه کنند. تهیه یک چنین قراردادی بعید بنظر می‌رسد و هرگونه تغییر اساسی در دنیای عرب بیش از همه شامل خود

او نیز خواهد بود. سادات بهتر از اسرائیل نمی‌تواند اعراب انقلابی را تحت فشار بگذارد. دنباله این بحث - قسمت دوم - «روحیه و مشخصات تروریست‌ها» در شماره بعد خواهد آمد.

## انفجار در سفارت اردن

به هنگام دیدار ملک‌حسین خائن از ایران، محل سفارت اردن در تهران، توسط یک گروه از مجاهدین خلق ایران منفجر شد و خسارات فراوان و آبروریزی‌های فراوان‌تری برای رژیم ببار آورد. مجاهدین همچنین مسئولیت انفجارهای زیر را بعهدہ گرفته‌اند:

- ۱- انفجار محل سازمان دفاع غیرنظامی
- ۲- انفجار کلوپ شاهنشاهی
- ۳- انفجار فروشگاه شهربانی
- ۴- انفجار نمایشگاه صنایع نظامی
- ۵- انفجار پاسگاه‌های پلیس قم
- ۶- انفجار اتومبیل‌های ارتش و پلیس
- ۷- ... بعلت تراکم مطالب در این شماره، چاپ اعلامیه مجاهدین خلق ایران و اخبار مربوطه به آن را به شماره آینده موکول می‌نمائیم.

## خبرهای روز

### در حاشیه سفر فرح به چین کمونیست

- چینی‌ها گفته‌اند که «دوستی دوهزار ساله زنده شده است.»  
عنوان گفتگوها «مسائل سیاسی» و «مسائل اقتصادی» بوده است.  
● جوئن لای «همکاری‌های دو کشور بر مبنای احترام متقابل به تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی، عدم تجاوز و دخالت دوجانبه در مسائل داخلی هریک از دو کشور، برابری و سود دوجانبه در همزیستی مسالمت‌آمیز»  
«دیپلمات‌های خارجی از لحن احترام‌آمیز و پذیرائی‌های چین از شاه و ملکه و هویدا بسیار تعجب کرده‌اند.»

(کیهان انگلیسی ۲۳ سپتامبر)

### ● سلامتی رفقا!

جوئن لای: «در خاتمه جام خود را به سلامتی اعلی حضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی، بسلامتی علیاحضرت ملکه فرح شهبانوی ایران، بسلامتی عالیجناب نخست وزیر امیرعباس هویدا، و بسلامتی سایر اعضای برجسته... و بسلامتی عالیجناب سفیرکبیر عباس آرام و بسلامتی دوستان و رفقا».

● جوئن لای: «در تحت رهبری اعلیحضرت شاهنشاه ایران، دولت و ملت ایران کوشش‌های مستمری نموده و موفقیت‌هایی در زمینه استقرار تمامیت ارضی، توسعه و ترقی فرهنگ ملی و ساختمان کشور خود بدست آورده‌اند»

پیام مجاهد: خطکشی‌ها از ماست. لطفاً یکبار دیگر آنها را بخوانید و توجه داشته باشید که این سخنان زمانی گفته می‌شود که دست‌های شاه به خون صدها فرزند دلاور و برومند خلق آلوده شده است.

### اعتصاب در دانشگاه آریامهر

خلیل طباطبائی دانشجوی سال چهارم مکانیک دانشگاه آریامهر چندی قبل در زیر شکنجه جان سپرد. دانشجویان دانشگاه مزبور به این مناسبت روز دوشنبه ۵۱/۷/۲۴ به کلاس‌ها نرفتند و با پخش اعلامیه از وضع موجود ابراز انزجار و با دوستان خلیل رفیعی طباطبائی اظهار همبستگی نمودند.

### محکومیت‌ها

برادران مجاهد، توکلی، محمد مفیدی، بسته‌نگار، از فعالین نهضت آزادی ایران به ترتیب به ۳ - ۳/۵ و چهار سال زندان محکوم شدند. محمد مفیدی را به اتهام شرکت در اعدام انقلابی طاهری در حالی که در یک رستوران غذا می‌خورد دزدیدند و سپس تا سرحد مرگ شکنجه دادند.

### انتقال به سلول انفرادی

برادر مجاهد علیرضا زمردیان را به سلول انفرادی منتقل کرده‌اند. وضع جسمانی او خیلی خراب است.

### نصب مجسمه فرح

اخیراً در صفحات شمال مجسمه‌هایی از فرح در میادین کار گذاشته‌اند و از ترس انهدام آنها توسط مجاهدین نیز شبانه‌روز مشغول نگهبانی هستند.

## فراحتی در ارتش

همان‌طور که در شماره گذشته اطلاع دادیم - مقاله تزلزل در ارتش - تعداد افسران بازداشتی بعلت مسائل سیاسی رو به افزایش است و در ماه گذشته نیز تعداد بازداشت‌ها بیشتر شده است.

## نگهبانان اسرائیلی شاه

گفته می‌شود که میزان عدم اعتماد شاه به ارتش و نیروهای انتظامی اطرافش به حدی رسیده است که برای محافظت جان خود تعداد سی نفر گارد از اسرائیل استخدام کرده است.

## زندان‌های مشهد

زندان‌های مشهد انباشته از زندانیان سیاسی است. تعداد زیادی از این زندانیان را، اطباء جوان تشکیل می‌دهند (گفته می‌شود در حدود پنجاه طبیب جوان در مشهد زندانی هستند) وضع بهداشت و غذا در زندان بسیار خراب است. چندی قبل زندانیان دست به اعتصاب غذای طولانی می‌زنند که منجر به اعزام نماینده‌ای از تهران برای رسیدگی به وضع زندان می‌گردد. رابطه این زندانیان با خانواده‌هایشان بکلی قطع است. حتی مراجعات مکرر خانواده‌ها و یا همسران این زندانیان برای کسب خبر از سرنوشت آنها و یا محل زندانشان بی‌اثر است.

## ارتش و هواپیماهای ایرانی در سرکوبی انقلاب ظفار:

عدن - اخبار واصله از منابع مطلع تأکید می‌کند که هواپیماهای ایرانی در حملات هوایی علیه جنبش مسلحانه ظفار شرکت کرده‌اند. از پنج هواپیمای ایرانی که در این حملات شرکت کرده بودند، یک هواپیما سقوط کرده است. همچنین گفته شده است که نزدیک به ده‌هزار سرباز ایرانی به شهر «صلاله» وارد شده‌اند.

## سفر محرمانه رئیس ستاد ارتش به یمن

روزنامه‌المحرر چاپ بیروت در شماره ۲۲ اکتبر خود گزارش می‌دهد که رئیس ستاد ارتش ایران به همراهی یک هیئت نظامی، به صنعا - پایتخت یمن - وارد شدند. این مسافرت و هدف آن کاملاً محرمانه نگه داشته شده است.

## سقوط هواپیمای فانتوم

در تاریخ ۵۱/۸/۹ یکی از هواپیماهای فانتوم ایران در نزدیکی پادگان جی سقوط می‌کند و



یک کارخانه کارتن‌سازی را به آتش می‌کشد و در حدود ۴۵ نفر از کارگران کارخانه کشته و یا زخمی می‌نماید. روزنامه‌های دولتی می‌نویسند که این هواپیما در یک «پرواز آزمایشی» بوده است و بعلت تصادف با «پرنده» سقوط کرده است. اولاً تا بحال سابقه نداشته است که هواپیماهای معمولی و غیرنظامی (حتی جت) در ایران با «پرنده» ای تصادف و سقوط کرده باشند. معلوم نیست که چرا «پرنده‌های» اخلال‌گر فقط به «فانتوم‌های» ارتشی حمله می‌کنند؟ ثانیاً گفته می‌شود که فانتوم‌ها در پرواز آزمایشی نبوده‌اند بلکه عازم مأموریت به ظفار در جنوب عربستان و شرق یمن جنوبی بوده‌اند.

### سقوط هلیکوپتر در کن

یک فروند هلیکوپتر نیروی «زمینی» در حوالی کن سقوط کرده است و سه نفر سرنشینان آن کشته شده‌اند. دولتی‌ها علت سقوط را «نقص فنی» اعلام کرده‌اند. البته باید در نظر داشت که در ویتنام هم آمریکائی‌ها هرچه هواپیمای بی ۵۲ و یا اف ۱۱۱ که سقوط کرده است به حساب نقص فنی می‌گذارند. گفته می‌شود که هلیکوپتر مزبور که متعلق به نیروی زمینی (نه نیروی هوایی) بوده است با همکاری ژاندارمری محلی در تعقیب و پرواز تجسسی علیه مجاهدین بوده است. احتمال می‌رود که علت سقوط، تیراندازی مجاهدین بوده است.

### بازهم ازدیاد بودجه ارتش

بودجه ارتش ایران در سال ۱۳۵۱ بالغ بر ده میلیارد تومان می‌باشد و این البته بدون احتساب بودجه سازمان امنیت و گارد شاهنشاهی و سایر واحدهای امنیتی است. بودجه کل فرهنگ ۵۴۸ میلیون تومان است یعنی بودجه ارتش تقریباً ۲۰ - بله بیست! - برابر بودجه فرهنگ است تازه به موجب لایحه‌ای که به مجلس داده شده است، دولت درخواست نموده است که چهار میلیارد تومان برای خرید وسایل نظامی از خارج، به هر شکل و ترتیبی وام گرفته شود. این رقم ۴۰ درصد بودجه ارتش را تشکیل می‌دهد و اگر آنرا به ده میلیارد تومان بودجه فعلی اضافه کنیم می‌شود ۱۵ میلیارد تومان یعنی نزدیک به سی برابر بودجه فرهنگ. حالا چه وسایلی می‌خواهند بخرند؟ و برای چه مصرفی؟ و به نفع چه کسانی؟ ما در شماره‌های قبل راجع به تعهد شاه در کمک به انگلیس و فرانسه و آمریکا، در توازن پرداخت‌هایشان، اخباری منتشر ساختیم. و اینک یک خبر دیگر و یک منبع خرج دیگر.

### فعالیت‌های نظامی آمریکا در ایران

دولت ایران قراردادی به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار با کمپانی «پیج کامیونی کاشن» (page

(communication) منعقد نموده است. به موجب این قرارداد، کمپانی مزبور در سرتاسر مرزهای ایران شبکه‌های محافظتی - با امواج کوتاه (میکرو) و اشعه مادون قرمز - نظیر آنچه در ویتنام وجود دارد تعبیه خواهد نمود. در حال حاضر تنها در ویتنام است که از این دیواره‌های محافظتی علیه ویتنام شمالی استفاده می‌شود. ایران دومین کشوری خواهد بود که از این نوع امواج برای محافظت رژیم بهره‌برداری می‌کند. همچنین قرارداد نظامی دیگری با انستیتوی تحقیقاتی شری انگل منعقد شده است که بمحض اطلاع از چگونگی آن شما را در جریان آن خواهیم گذاشت.

### خرید هلیکوپترهای جدید

دولت ایران اخیراً هلیکوپترهای نظامی جدیدی از آمریکا خریداری نموده است. هلیکوپترهای مزبور که از نوع (سی اچ ۵۳) و (اس ۶۷) هستند، به موجب اعتراض روزنامه‌های دولتی، نه تنها در هیچ کشور دیگری بلکه تابحال حتی در خود آمریکا هم مورد بهره‌برداری و آزمایش قرار نگرفته‌اند.

### و باز هم مخارج نظامی بیشتر

شاه در روز «نیروی دریائی» در سخنان خود گفت که «سه یا چهار سال پیش، من فقط به دفاع از خلیج فارس فکر می‌کردم... اما حوادث جهانی ما را مجبور ساخت به دریای عمان فکر کنیم و مجدداً ما مجبور شده‌ایم که بپذیریم که اقیانوس مجاور بحر عمان مرزی نمی‌شناسد.»

شاه گفته است که قدرت نیروی دریائی چندین برابر افزایش خواهد یافت.

### دروغ شاهان، شاه دروغ‌هاست.

ادعای شاه: «ایران از نظر رشد کشوری است که خیلی سریع پیش می‌رود» ۱۴ خرداد

شاه ۵۱

«بیسوادی دیگر یک مسئله جدی نیست» پیام شاه به مناسبت هفتمین سال مبارزه با

بیسوادی

(کیهان انگلیسی ۱۶ سپتامبر)

### اما دم خروس:

«در حال حاضر ۷۰ درصد جمعیت از ۷ سال به بالای کشور سواد خواندن و نوشتن ندارند»

چهارمین کنگره شورای عالی آموزش و پرورش ۵۱/۲/۸

### جنبش‌های تهدیدآمیز در خلیج فارس:

تا چندی پیش چنین به نظر می‌رسید که چین کمونیست برای موقعیت ایران در خلیج فارس تهدیدی بشمار می‌رود. ولی حالا بنظر می‌رسد که با روابط گرمی که میان تهران و پکن برقرار گردیده است، چین ادامه کمک و پشتیبانی از جنبش‌های تهدیدآمیز در این منطقه را قطع کرده است.

از: بی‌بی‌سی لندن

### بعد از سفر شاه به روسیه شوروی سوسیالیستی

«موقعیت ایران در منطقه خلیج فارس بیش از پیش تحکیم یافته است. رهبران شوروی به شاهنشاه ایران اطمینان داده‌اند که مسکو در سیاست ایران در رابطه با خلیج فارس دخالت نخواهند کرد.»

روزنامه‌های ایران

